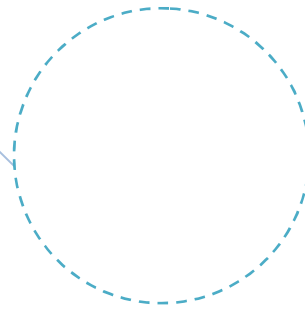
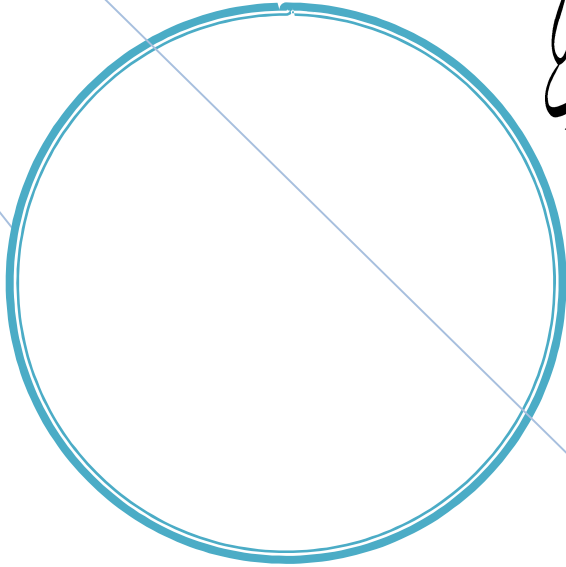


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ZaminAzmoon Group

جزوات وقف عام گروه زمین آزمون

غیر قابل فروش



آب‌شناسی

جزوات آمادگی آزمون کارشناسی ارشد زمین‌شناسی

تألیف: گروه زمین آزمون

تذکر: گروه مولفین زمین آزمون مطابق حقوق مؤلفان و مصنفان مصوب مجلس محترم شورای اسلامی با افراد حقیقی یا حقوقی که از نام یا محتوای جزوات تألیفی گروه زمین آزمون به صورت غیرقانونی و بدون مجوز جهت فروش استفاده و یا جزوات غیر قابل فروش گروه را در شبکه‌های مجازی و یا موسسات به فروش برسانند از طریق مراجع قانونی برخورد مقتضی را خواهد نمود. فروش کلیه جزوات آمادگی آزمون کارشناسی ارشد و دکتری زمین‌شناسی گروه آموزشی زمین آزمون توسط افراد حقیقی یا حقوقی و یا مؤسسات آموزشی ممنوع و این جزوات وقف عام است.

بسمه تعالی

پایمبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

هرگاه مؤمن یک برگه که روی آن علمی نوشته شده باشد از خود بر جای گذارد، روز قیامت آن برگه پرده میان او و آتش می شود و خداوند تبارک و تعالی به ازای هر حرفی که روی آن نوشته شده، شerry بهشت برابر پهنای آن دنیا به او می دهد.

سلام علیکم؛

ایزداناراسپاس می گویم که ما ریا یاری بخشید تا بتوانیم در زمینه تحقق آرمان های علمی و میهنی خویش، گامی دیگر برداریم. «زمین آزمون» با هدف ایجاد بانک اطلاعاتی جزوات آمادگی آزمون کارشناسی ارشد و دکتری زمین شناسی و نیز کمک به دانشجویان و محققین این رشته در سال ۱۳۸۶ آغاز به فعالیت نمود. در این راه استادان و دانشجویان و پژوهشگران محترمی با هم فکری خود به مایاری رسانده اند که اگر این هم فکری و کمک مان بود شاید این مهم ناتمام می ماند.

اکنون به پاس ۱۰ سال تلاش صادقانه گروه آموزشی و پژوهشی زمین آزمون، هزاران امید و تلاش به ثمر نشسته است و فریختگان بسیاری همراه ما با موفقیت در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری زمین شناسی تحصیل نموده اند. برای پاسداشت علم و ترویج علم مقدس زمین شناسی، گروه زمین آزمون کلیه جزوات آمادگی آزمون کارشناسی ارشد و دکتری زمین شناسی خود را به صورت وقف عام به همه فریختگان جامعه علمی زمین شناسی ایران تقدیم می نماید. شایسته است از زحمات آقای مهندس مجتبی رجبی، خانم دکتر نرگس شیردشت زاده، خانم مهندس یسرا محمودزاده، آقای مهندس رسول صادقی و دیگر بزرگواران تقدیر گردد. بی گمان این مجموعه از کاستی ها و نواقص احتمالی مبری نیست ولی می تواند مسیری روشن را پیرامون داوطلبان محترم و پژوهشگران کرامی بکشد. پیروزی و موفقیت شمار دقامی آزمون های زندگی آرزو مندیم.

مدیر گروه مؤلفین زمین آزمون

دکتر امین صدی



فصل اول:

- تفاوت هیدرولوژی و هیدروژئولوژی:

هیدرولوژی؛ مطالعه آب های روی سطح زمین است در صورتیکه هیدروژئولوژی مطالعه اثر متقابل محیط سازنده زمین و آب در زیر سطح زمین می باشد.

- جدیدترین تعریف از علم هیدروژئولوژی: با مطالعه قوانین حاکم بر حرکت آب های زیر زمینی، واکنش های شیمیایی و مکانیکی و حرارتی آب های زیرزمینی با سازنده های دربرگیرنده آن و چگونگی عمل انرژی و مواد محلول و توسط جریان آب بیان می شود.
- معایب استفاده از آب های زیر زمینی؛ با وجود آنکه استخراج آنها گران تر از برداشت آب رودخانه و مخازن سطحی است و مواد محلول آن به طور کلی بیشتر از رودخانه ها است و همچنین در صورت آلودگی رفع آلودگی آن بسیار مشکل است اما به شرح زیر محاسنی دارد:

 - ۱- مواد میکروبی و بیولوژیکی آن کم است و بدون تصفیه هم قابل استفاده است. ۲- ترکیب شیمیایی و دمای آب های زیر زمینی تقریباً ثابت است و برای عمل تبادل حرارتی در کارخانه ها مفید است.
 - ۳- غالباً بی رنگ و عاری از تیرگی است. ۴- دارای ذخیره عمومی ثابت و بیش از آب های سطحی است و تحت تأثیر خشکسالی های کوتاه مدت قرار نمی گیرد. ۵- آلودگی های رادیواکتیو و بیولوژیکی در این آبها کمتر از آب های سطحی است.

- منشاء بخش عمده ای از آب های زیر زمینی بارش است که خود بخشی از چرخه هیدرولوژیکی است.
- سیکل هیدرولوژیکی توسط انرژی خورشید ایجاد و کنترل می شود.
- آبی که برای یک دوره زمین شناسی دور از برخورد با چرخه آب بوده و آب های باقیمانده در منافذ سنگ های رسوبی از زمان تشکیل بنام آب فسیل نامیده می شود؛ آب فسیل ممکن است از آب شیرین یا دریا حاصل شده باشد که در حد بالایی مینرالیزه شده است.



- مقدار کمی از آب زیرزمینی از ماگمایی که در اعماق زیاد ایجاد شده مشتق می شود که به آن آب ماگمایی گفته می شود اگر ماگما ولکانیکی و در اعماق کم ایجاد شده باشد آب حاصل از آن آب ولکانیکی و آب حاصل از ماگمایی که قبلاً جزو چرخه آب نبوده آب جوان نامیده می شود.
- آب متامورفیک به آبی اطلاق می شود که با دگرگونی سنگ ها همراه است.

انواع لایه های آبدار:

- امکان تشکیل مخزن آب زیرزمینی و قابلیت آبدهی هر مخزن قبل از هر چیز به ویژگی های فیزیکی و سنگ شناسی محیط های متخلخل وابسته است.
- آب در زیرزمین در منافذ خالی سنگ ها و خاک ها جمع می شود اما منافذ در همه سازندها یکسان نیستند و همه سازندها به اندازه یکسان آب را از خود عبور نمی دهند.
- سازندهای زمین شناسی که بتوانند مقدار زیادی آب در خود ذخیره و از خود عبور دهند بنام سفره یا Aquifer نامیده می شوند مانند شن، ماسه و سایر رسوبات دانه درشت این سازندها ذخیره سازی (S) و انتقال (T) خوبی دارند.
- بعضی از سازندها اگرچه اشباع شده هستند ولی مقدار کمی آب را از خود عبور می دهند و چاهی که در این تشکیلات حفر می شود آبدهی خیلی کمی دارد به چنین تشکیلاتی Aquitard گویند؛ مانند رس ماسه دار و رس گراول دار.
- این نوع سازندها (Aquitard) به تنهایی قابلیت آبدهی خوبی ندارند ولی وقتی با یک اکیوفر همراه باشند آبدهی بالایی خواهند داشت و بهترین راه استخراج آب در این لایه ها احداث قنات یا چاه های دهانه گشاد است.
- بعضی از سازندها اگر چه توانایی جذب آب را به آهستگی دارند و حتی ممکن است حاوی مقدار زیادی آب باشد ولی در شرایط معمول قادر به انتقال مقادیر قابل توجه آب نیستند به چنین سازندی Aquiclurd گفته می شود رس و سلیت نمونه هایی از این نوع هستند؛ سازندهایی که جنس آنها مارنی یا شیلی است مثل پابده؛ گورپی، رازک و کژدمی را می توان از این نوع دانست.



- به سازندهایی که حاوی آب زیرزمینی نیستند و آب را از خود عبور نمی دهند؛ Aquifuge گفته می شود در این سازند هم T و هم S صفر می باشد، اکثر سازندهای سخت که دارای شکستگی و تخلخل نباشد از این نوع هستند؛ مثال: گرانیت.
 - به طور کلی لایه آبدار بخشی است در زیرزمین که بتوان مقادیر کافی آب که از نظر اقتصادی مهم باشد، از آن برداشت کرد.
 - سازندهایی که به عنوان لایه آبدار (اکیفر) هستند به ۵ گروه تقسیم می شوند:
- ۱- نهشته های آبرفتی: رسوبات جدیدی که از ذرات منفصل تشکیل شده است؛ تقریباً ۹۰٪ سفره های آبی دنیا از این نوع هستند. این نهشته ها نیز شامل ۴ گروه است.
 - ۱-۱) آبگذر (مواد آبرفتی که بر اثر جریان آب و از سیلاب های شدید حاصل شده) چاه ها در این مناطق به خاطر نفوذپذیری خوب و نفوذ مدام آب رودخانه آبدی بالایی دارند.
 - ۱-۲) دره ها یا کانال های دفن شده قدیمی (سابقاً مسیر آب بوده اند و با استفاده از بررسی های ژئوفیزیکی مشخص می شوند).
 - ۱-۳) دشت ها (از مواد منفصل تشکیل شده اند و طبق قاعده کلی هر جا دانه درشت باشد؛ آبدی خوب دارد).
 - ۱-۴) دره های میان کوهی (بسیار درشت و متخلخل و نفوذپذیری بالا دارند اما به دلیل نزدیک بودن به سنگ کف و عمق نمی توانند ذخایر مهمی را تشکیل دهند).
 - ۲ - آهک ها: علت تفاوت آهک ها در چگالی، تراوایی، تخلخل عمدتاً ۲ پارامتر ۱- توسعه زون های تراوا در اثر انحلال و ۲- درجه تحکیم است؛ آهک هایی به عنوان لایه آبدار محسوب می شوند که بخش زیادی از آنها در اثر پدیده انحلال از بین رفته باشد.
 - به پدیده ای که سبب می شود آهک ها و دیگر سنگ های کربناته در اثر انحلال دارای خلل و فرج ثانویه شوند؛ کارستی شدن و به توده کارستی شده کارست گفته می شود.



▪ مناطق کارستی به لحاظ ژئومورفولوژی انواع مختلفی دارند:

- ۱- کارن Karen: شکاف در محل جوینت ها ۲- Dolin یا Sink hole: فرو رفتگی های قیفی شکل بر اثر انحلال ۳- lost river: رودخانه هایی که در محل های کارستی در مناطق آهکی بطور کامل ناپدید می شود ۳- سنگ های آتشفشانی: این سنگ ها به لحاظ تشکیل سفره آبدار متفاوتند در بعضی موارد سفره هایی با نفوذپذیری بالایی تشکیل می دهند. بخصوص انواع بازالتی، دارای حفراتی است که در تراوایی آن موثر است این حفرات شامل:
 - ۱- فضاهای میان روزنه ای؛ در قسمت های بالایی لاوا ۲- حفرات بین لایه های مجاور ۳- ترک های انقباضی ۴- لوله های لاوایی ۵- حفرات گازی ۶- شکاف بر اثر گسلش و Fracturing حاصل می شود.

▪ توفها و ریولیت ها گرچه متخلخل اند ولی معمولاً نفوذپذیری خیلی کمی دارند.

- ۴- ماسه سنگ ها و کنگلومراها: فرم سیمانی ماسه و گراول هستند بنابراین نفوذپذیری بر اثر سیمانی و فشرده شدن تقلیل می یابد؛ اینکه ماسه سنگ، لایه آبدار محسوب شود به ۲ عامل بستگی دارد (۱) نوع سیمان (۲) درجه هوازدهی؛ اگر سیمان آهکی باشد در اثر انحلال از بین می رود و باعث توسعه بخش های تراوا می شود. در حالیکه سیمان سیلیسی چنین خاصیت ندارد.

- ۵) سنگ های آذرین و دگرگونی: این سنگ ها در شرایط عادی به هیچ وجه لایه آبدار محسوب نمی شوند اما هوازدهی در مقیاس کوچک و تکتونیک در مقیاس های بزرگ باعث می شود که این سنگ ها بصورت لایه آبدار باشد.

▪ آبرفت هایی که در زیرآبراهه رودخانه قرار گرفته اند، رسوبات بادی، تلماسه مناطق ساحلی و رسوبات یخچالی (یخرفتهای جور شده) می توانند لایه های آبدار خوبی تشکیل دهند.

- منافذ موجود در سنگ ها را به لحاظ نحوه تشکیل می توان به دو گروه اولیه و ثانویه تقسیم کرد: منافذ اولیه (در زمان تشکیل سنگ یا خاک ایجاد شده اند، مثال: تخلخل بین دانه ای در یک رسوب) منافذ ثانویه (فضای خالی که در اثر فرآیندهای مختلف زمین شناسی پس از تشکیل در آن به وجود می آید) فضای خالی ناشی از انحلال.

▪ عموماً با افزایش عمق منافذ موجود در سنگ ها کاهش می یابد.



- تخلخل: مقدار فضای خالی یک سنگ یا خاک را با کمیت تخلخل بیان می کنند و عبارتست از نسبت حجم خلل و فرج V_v به حجم کل خاک یا سنگ V_t که به درصد بیان می شود.

هوا + آب: V_v و هوا و آب و جامد: V_t ، ρ_b : جرم مخصوص ظاهری، ρ_d : جرم مخصوص حقیقی

W_a		V_a
W_w	فضای خالی	V_w
W_s	$\text{جامد} = \frac{wd}{\rho}$	V_s

$$a = \frac{V_v}{V_t} \times 100$$

$$a = \left(1 - \frac{\rho_b}{\rho_d} \right)$$

$$a = \frac{V_t - V_s}{V_t} \times 100$$

- در رسوبات سخت نشده، تخلخل به شکل، درجه جور شدگی و آرایش دانه ها بستگی دارد.
- در سنگ های رسوبی آواری معمولاً تخلخل کمتر از رسوبات سخت نشده است، چون بخشی از منافذ توسط سیمان پر می شوند.

میزان تخلخل با افزایش عمق افزایش می یابد در این زمینه یک رابطه تجربی وجود دارد.

$$a_z = a.e^{-az}$$

a_z : تخلخل در عمق z ، a : ضریب ثابت، e : تخلخل در سطح، z : عمق.

تخلخل به چه عواملی وابسته است

- اندازه دانه ها: هر چه اندازه دانه ها کوچکتر باشد تخلخل بیشتر است.
- ساختمان ذرات: نحوه قرارگیری و آرایش دانه های رسوبات؛ کمترین تراکم مربوط به آرایش مکعبی (تخلخل: ۴۷/۶) و بیشترین تراکم مربوط به آرایش رمبوندی (تخلخل: ۲۶ درصد).
- سیمانی شدن: با سیمانی شدن ذرات؛ میزان تخلخل کاهش می یابد؛ نوع سیمان نیز حائز اهمیت است.



۴- یکنواختی ذرات: هر چه یکنواختی بیشتر باشد میزان تخلخل نیز بیشتر است. چون در حالت غیر یکنواخت دانه‌های ریز در بین فضای دانه درشت‌ها قرار می‌گیرد و باعث کاهش تخلخل می‌شوند.

۵- انحلال: در سنگ‌های آهکی یکی از مهمترین عوامل ایجاد کننده خلل و فرج ثانویه انحلال است.

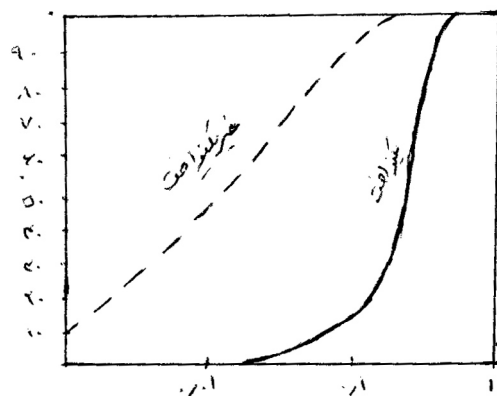
- دولومیتی شدن نیز تخلخل را می‌افزاید چون یون‌های منیزیم که جانشین کلسیم می‌شوند از آنها کوچکترند.
- تخلخل مفید یا موثر: خلل و فرجی که بهم متصل و هم اجازه عبور آب را می‌دهند.
- گراول با ۲۸ درصد تخلخل لایه آبدار خوبی است اما رس با ۴۲ درصد تخلخل لایه آبدار خوبی نیست.
-

حجم فضای خالی متصل به هم

$$\text{تخلخل مفید} = \frac{\text{حجم فضای خالی متصل به هم}}{\text{حجم کل}}$$

- ضریب یکنواختی: نسبت قطری که ۶۰ درصد ذرات از آن کوچکتر باشد به قطری که ۱۰ درصد ذرات از آن کوچکتر باشد.

$$u = \frac{D_{60}}{D_{10}}$$





▪ هر چه u (ضریب یکنواختی) بزرگتر باشد بیانگر این است که منحنی دانه‌بندی از دانه‌های ریز تا دانه درشت‌ها کشیده شده و هر چه u کمتر باشد بیانگر این است که دانه‌ها دارای اندازه‌های نزدیک بهم هستند یا جور شده‌تر هستند.

▪ حداقل ضریب یکنواختی برابر یک است ($d_{60}=d_{10}$).

▪ هر چه u کوچکتر باشد؛ آبدهی لایه بیشتر است.

▪ شیب منحنی دانه‌بندی مواد یکنواخت (جور شده) در بین ۲ نقطه عطف آن، زیاد و نزدیک به قائم است در حالیکه در رسوبات غیریکنواخت منحنی گسترده و شیب آن کم است.

▪ هر چه دانه‌ها یک اندازه‌تر باشد؛ هدایت هیدرولیکی بیشتر است.

▪ جرم مخصوص ظاهری: نسبت جرم خاک خشک به حجم خاک دست نخورده $(V_s + V_v)$

$$p_b = \frac{m}{V_t}$$

▪ جرم مخصوص واقعی: نسبت جرم خاک خشک به حجم جامد $p_d = \frac{m}{V_s}$

▪ بافت خاک: با استفاده از مقدار نسبی درصد Silt, Sand, Clay تعیین می‌شود با استفاده از مثلث خاک؛ هرچه بافت خاک سبک‌تر باشد یا دانه درشت‌تر باشد میزان آبدهی بیشتر است.

▪ سطح ویژه: سطح در واحد وزن ذرات که معمولاً بر حسب $\frac{m^2}{gr}$ عنوان می‌شود؛ هرچه سطح دانه‌ها بیشتر

باشد قابلیت جذب آب بیشتر و قابلیت انتقال آب کمتر خواهد بود؛ سطح ویژه به ۳ عامل: ۱- اندازه دانه‌ها ۲- شکل دانه‌ها ۳- حضور رس و نوع رس‌ها بستگی دارد.

بخش آب در زمین

▪ از نظر وجود آب در زیر زمین دو منطقه قابل تشخیص است:

▪ ۱- تهویه یا غیر اشباع که فضای خالی سنگ‌ها توسط هوا و آب اشغال شده



- ۲- اشباع که در زیر منطقه تهویه قرار دارد و تمام منافذ توسط آب اشغال شده
- منطقه تهویه: از سطح زمین تا سطح فوقانی منطقه اشباع ادامه دارد؛ قسمتی از آب بخاطر وجود نیروهای مولکولی بین ذرات آب و سنگ بصورت چسبیده به دور دانه‌ها باقی می‌مانند که به آن آب معلق یا آب وادوز گفته می‌شود.
- ضخامت منطقه تهویه در مناطق خشک زیاد اما در مناطق مرطوب کم است.
- منطقه غیر اشباع شامل ۳ منطقه کوچکتر ۱- آب - خاک یا رطوبت ۲- وادوز میانی ۳- منطقه موئین. (۱) منطقه رطوبت: از سطح زمین تا آنجا که ریشه اصلی گیاه می‌رسد ادامه دارد؛ مقدار آب در این منطقه کمتر از منطقه اشباع است، مگر آنکه به صورت موقت آب اضافی باران یا آبیاری به زمین نفوذ کند.
- ضخامت منطقه رطوبت با نوع گیاه و خاک منطقه تغییر می‌کند.

آبهای این منطقه به ۳ رده تقسیم می‌شوند

- ۱- آب هیگروسکوپي: رطوبتی است که از هوا جذب می‌شود و به صورت یک غشاء نازک گرداگرد ذرات را اشغال کرده‌اند؛ این آبها توسط نیروی چسبندگی نگهداری می‌شود؛ چون نیروی چسبندگی این رطوبت به ذرات خیلی زیاد است نمی‌تواند مورد استفاده گیاه قرار گیرد؛ این رطوبت با رطوبت هوا در تعادل است و فقط با گرم کردن خارج می‌شود.
- ۲- آب موئین: به صورت پوسته نازکی ذرات خاک را احاطه می‌کند و بر اثر خاصیت کشش سطحی نگهداری می‌شود و می‌تواند مورد استفاده گیاه قرار گیرد.
- ۳- آب گرانشی یا ثقلی: آبی است که تحت اثر نیروی ثقل در خلال منافذ خاک و سنگ به حرکت در می‌آید.
- همیشه اولین آبی که از خاک خارج می‌شود، آب ثقلی است، بعداز آن آب موئین و سپس آب هیگروسکوپي خارج می‌شود.

درجات و نقاط تعادلی که برای نشان دادن مقدار رطوبت خاک بکار می‌رود

- ۱- ضریب میکروسکوپي: حداکثر رطوبتی که یک خاک خشک در مجاورت هوایی با رطوبت نسبی ۵۰ درصد و دمای 25°C می‌تواند جذب کند.



۲- نقطه پژمردگی: مقدار رطوبتی است در خاک که در کمتر از آن گیاه برای همیشه پژمرده می شود؛ این نقطه هم به نوع گیاه و هم نوع خاک وابسته است.

۳- رطوبت معادل: مقدار رطوبتی که یک نمونه خاک پس از آنکه تحت تأثیر نیروی گریز از مرکز معادل ۱۰۰۰ برابر گرانی قرار گرفت می تواند در خود نگه دارد.

۴ - حداکثر گنجایش آب: مقدار آبی است که برای اشباع تمام منافذ خاک لازم است.

▪ مقدار رطوبت خاک به ۲ صورت وزنی و یا حجمی بیان می شود.

$$\text{وزن خاک خشک } wd - \text{وزن خاک مرطوب } ww = \text{درصد وزنی رطوبت}$$

$$Wd$$

$$\text{وزن خاک خشک } wd - \text{وزن خاک مرطوب } ww$$

$$\text{درصد حجمی رطوبت } (\theta) =$$

$$Vt \text{ حجم کل}$$

▪ درصد اشباع: درصد فضاهای خالی که با آب اشغال شده است.

Vw : حجم آب یا رطوبت، Vv حجم فضای خالی نمونه

$$\text{درصد اشباع} = \frac{Vw}{Vv} \text{ یا } \frac{\theta}{a}$$

θ درصد حجمی رطوبت، a : تخلخل

▪ درصد اشباع یک خاک اشباع صد درصد است.



۲ روش برای اندازه گیری رطوبت خاک به کار می رود

۱- استفاده از لاگ نوترون (شمارش نوترون های کند شده)

۲- عبور دادن جریان الکتریسته از خاک و اندازه گیری مقاومت خاک (برقراری رابطه مقاومت و درصد اشباع).

ب (منطقه میانی (وادوز میانی): از پایین ترین قسمت خاک شروع و تا سطح قسمت موئینه ادامه دارد ضخامت این منطقه بسته به شرایط اقلیمی محل تغییر می کند. آبی که در این منطقه به صورت لایه نازک دور دانه ها بر اثر نیروی هیگروسکوپ و موئین باقی می ماند؛ آب پوسته ای یا غشایی نامیده می شود.

▪ مقدار این آب معادل گنجایش زراعی در منطقه رطوبت خاک است.

ج (منطقه موئینه: به رغم وجود نیروی گرانی، آب از خلال مجاری باریک به سمت بالا حرکت می کند.

▪ آب تا ارتفاعی بالا می رود که ۲ نیروی موئین و گرانی برابر شوند، مقدار بالا رفتن آب بستگی به خصوصیات محیط متخلخل دارد.

$$hc = \frac{\gamma T}{r\delta} \cos \lambda$$

مقدار بالا رفتن آب

در این فرمول؛ T: کشش سطحی، x: شعاع لوله موئینه، δ : وزن مخصوص سیال، λ : زاویه ای که انحنای سطح آب با دیواره می سازد.

▪ هر چه شعاع لوله موئین کمتر باشد، ارتفاع بالا رفتن آب در لوله بیشتر است.

▪ زاویه تماس λ بستگی به ترکیب شیمیایی مایع و دیواره دارد، برای آب خالص و شیشه تمیز λ برابر صفر است.

منطقه اشباع:

▪ در منطقه اشباع آب تمام منافذ سنگ را پر می کند بنابراین تخلخل موثر نشانگر آب موجود در واحد حجم است.

$$V_w = a_e \times V_T$$



- تمام آبهای منطقه اشباع را نمی توان با زهکشی یا پمپاژ خارج کرد؛ زیرا نیروی مولکولی و کشش سطحی بخشی از آب را در محل نگه می دارد به این آب، آب نگهداری شده یا نگهداشت ویژه می گویند.
- نگهداشت ویژه عبارتست از نسبت حجم آبی که سنگ یا خاک پس از اشباع شدن می تواند در مقابل نیروی گرانی در خود نگه دارد، به حجم کل آن و به صورت درصد بیان می شود.

$$Sr = \frac{V_r}{V_t} \times 100$$

V_r : حجم آب باقی مانده، V_t : حجم کل نمونه

- آبدهی ویژه: آبی که می تواند زهکشی شود نمایانگر آبدهی ویژه یا تخلخل موثر است.
- V_y : حجم آبی که بر اثر نیروی گرانی خارج می شود، V_t : حجم کل

$$Sy = \frac{V_y}{V_t}$$

- حجم فضای خالی $V_r + V_y$ است.
- تخلخل برابر است با نگهداشت ویژه + آبدهی ویژه $(a = Sr + Sy)$
- مقدار آبدهی ویژه به اندازه دانه ها، شکل و توزیع منافذ و مقدار تراکم لایه ها بستگی دارد.
- اندازه دانه ها با نگهداشت ویژه رابطه عکس و با آبدهی ویژه رابطه مستقیم دارد. با بزرگتر شدن اندازه دانه ها نگهداشت ویژه کاهش می یابد، در نتیجه رسوبات دانه درشت آب کمتری را می تواند نگهداری کنند و آبدهی ویژه بیشتری دارند.
- آبدهی ویژه رسوبات دانه متوسط (ماسه) بیشتر از رسوبات دانه درشت است، زیرا با بزرگتر شدن دانه ها تخلخل کاسته می شود.
- قابل اعتمادترین متد اندازه گیری آبدهی ویژه بر اساس آزمایش پمپاژ است.



سطح ایستابی:

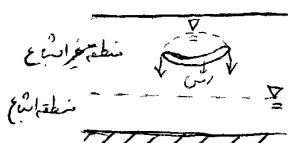
- منطقه اشباع چنانچه بالا به نفوذناپذیری در بالا محصور نباشد، از منطقه تهویه با سطحی بنام سطح ایستابی یا سطح آزاد جدا می‌شود؛ سطح ایستابی یک سطح فرضی است که در تمام نقاط آن فشار برابر فشار اتمسفر است که آنرا معادل صفر می‌گیرند.
- سطح ایستابی به بیان دیگر سطحی است در مواد نامحصور که در آن فشار هیدروستاتیک برابر فشار اتمسفر است.
- اگر مرز بالایی منطقه اشباع یک لایه نفوذ ناپذیر باشد به آن سطح پیزومتریک گفته می‌شود. در این صورت فشار در سطح فوقانی اشباع بیش از فشار اتمسفر است.
- اگر در منطقه اشباع جریان اساساً افقی باشد تراز آب چاه‌ها با سطح ایستابی منطبق است.
- سطح ایستابی در نقاط مختلف در اعماق متفاوتی است و دائماً در حال نوسان است؛ عمق آن به عوامل مختلفی چون مقدار بارندگی، مقدار تبخیر، میزان تخلیه و خصوصیات زمین‌شناسی محل و توپوگرافی زمین بستگی دارد.
- عمق سطح ایستابی در مناطق مرطوب و پست کمتر و در مناطق خشک و بیابانی بیشتر است.
- سطح ایستابی عملاً تا منطقه مویین (بخش تهویه) ادامه دارد.
- بارفشار: بارفشار در نقطه معین از منطقه اشباع عبارتست از ارتفاع بالا آمدن آب در یک لوله قائم که تا آن منطقه فرورفته باشد؛ چنین لوله‌ای را پیزومتر می‌گویند.
- تغییر فشار بارومتریک بعلت نفوذپذیری کم هوا در منطقه تهویه بلافاصله به آب زیرزمینی منتقل نمی‌شود، در حالیکه مستقیماً بر سطح آب پیزومتر اثر می‌گذارد، در این حالت تراز آب در پیزومتر ارتفاع واقعی ایستابی را نشان نمی‌دهد.
- کاهش فشار اتمسفر می‌تواند سبب بالا آمدن تراز آب در پیزومتر شود.
- هر سانتیمتر جیوه تغییر فشار بارومتریک می‌تواند موجب $13/6$ سانتیمتر اختلاف تراز آب در پیزومتر و سطح ایستابی واقعی موثر شود.



- عواملی چون نفوذ آب بارندگی، آبیاری، سیلابها، نوسانات جزر و مد در اختلافات تراز آب در پیزومتر و سطح ایستابی واقعی موثرند.
- در منطقه تهویه فشار آب بعثت کشش سطحی آب منفی است؛ مقدار این بار فشار منفی بوسیله دستگاهی بنام تانسیومتر یا کشش سنج اندازه گیری می شود؛ تانسیومتر در کارهای کشاورزی و در محدوده عمق ریشه گیاه کاربرد دارد.
- کشش سنج از یک لوله قائم درست شده که در بالا بسته و در پایین دارای غشاء متخلخل است در حالت تعادل فشار آب در داخل کشش سنج معادل فشار آب در منطقه تهویه است.
- با کاهش مقدار رطوبت خاک و محکم تر چسبیدن آب به ذرات خاک بار فشار آب کاسته می شود (منفی تر می شود) ولی مکش آن افزایش می یابد.

انواع لایه های آبدار:

- بر اساس وجود یا عدم سطح ایستابی به ۲ دسته تقسیم می شود:
- ۱- لایه آبدار آزاد: به لایه های آبداری گفته می شود که هیچ گونه لایه نفوذ ناپذیر محبوس کننده ای در بالای سطح اشباع وجود نداشته باشد؛ سطح آب در سفره های آزاد، سطح ایستابی گفته می شود.
- سطح ایستابی سفره های آزاد معمولاً از توپوگرافی منطقه تبعیت می کنند.
- عمده ترین دلیل تغییر شکل یا شیب در سطح ایستابی ۳ عامل است: ۱- منطقه تغذیه و تخلیه ۲- مناطق تحت پمپاژ ۳- تراوایی.
- سفره های آزاد معمولاً در آبرفت ها، تلماسه ها یا نهشته های یخچالی دیده می شوند؛ منابع اصلی تغذیه سفره آزاد «بارش» است.
- در حالت های ویژه ای از سفره های آزاد؛ توده های کوچکتری از آب در بالای سطح ایستابی وجود دارد، به این



توده های آبی لایه آبدار معلق می گویند.



- در اطراف دو لنز رسی آب به پایین گرایش دارد که بایستی با توجه به دانه ریز بودن و وجود اصطکاک، مقداری ارتفاع بگیرد، بنابراین سطح آب معلق بصورت محدب در می آید.
- چاه های حفر شده در سفره های معلق با آبدی کم و موقت همراه هستند.

لایه آبدار محبوس:

- این نوع سفره ها وقتی به وجود می آیند که یک لایه محبوس که غیر قابل نفوذ است، لایه های آبدار را بپوشاند و فشار را در سفره های محبوس بیش از فشار اتمسفر می سازد.
- چاهی که در این نوع سفره ها حفر می شود، سطح آب در آن بالاتر از کف لایه محبوس کننده قرار می گیرد که به آن سطح پیزومتريک می گویند؛ این سطح فرضی که ارتفاع آن در هر نقطه برابر ارتفاع نظیر فشار آب یا بار فشار در سفره است با سطح هیدروستاتیک آب مطابقت می کند.
- اگر سطح پیزومتريک بالای سطح زمین قرار گیرد؛ آب از چاه خود به خود به بیرون جریان می یابد به این گونه چاه ها «چاه سرریز» یا «آرتزین» می گویند.
- اگر سطح پیزومتريک در زیر لایه محبوس کننده قرار گیرد، سفره تحت فشار به سفره آزاد تبدیل می شود.
- سفره های محبوس در یک محل ممکن است به صورت تعدادی لایه آبدار روی هم قرار گیرند که با لایه های ناتراوا یا کم تراوا از هم جدا شوند. بالاترین سفره معمولاً یک سفره آزاد است.

لایه آبدار نشی:

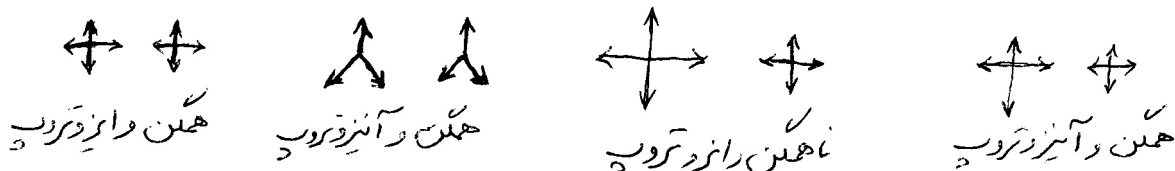
- لایه آبداری که مرزهای بالایی و پایینی آنرا یکی ترد تشکیل دهد یا مرز بالایی یکی ترد (نیمه نفوذپذیر) و مرز پایینی آنرا یکی کلود یا (نفوذ ناپذیر) تشکیل دهد.
- مقدار و جهت نشت در هر نقطه به اختلاف بار فشار موجود در طرفین لایه نیمه تراوا وابسته است.
- لایه آبدار نشی دارای سطح ایستابی و سطح پیزومتريک است؛ در صورتیکه سطح پیزومتريک بالاتر از سطح ایستابی باشد آب از پایین به بالا حرکت می کند و اگر سطح ایستابی و پیزومتريک بر هم منطبق باشند در این حالت آب به حالت تعادل رسیده و حرکت عمودی نخواهد داشت.



- سفره‌های نشتی بیشتر در دره‌های آبرفتی و دشت‌ها و حوضه‌های دریاچه‌ای قدیمی مشاهده می‌شود.
- چاهی که در سفره نشتی حفر می‌شود آب قابل پمپاژ از آن به ۲ طریق تأمین می‌شود.
- ۱- از طریق جریان افقی آب در سفره ۲- از طریق جریان عمودی که از لایه نیمه نفوذپذیر (اکی ترد به اکی فر) انجام می‌شود.

لایه آبدار ایده آل:

- لایه آبداری که کاملاً ایزوتروپ و همگن باشد.
- لایه همگن: لایه‌ای که خصوصیات آن در نقاط مختلف یکسان باشد. لایه ایزوتروپ: لایه‌ای که خصوصیات آن نسبت به جهت تغییر نکند.



- ضریب ذخیره لایه آبدار: حجم آبی که از واحد سطح لایه آبدار خارج شود؛ بطوریکه سطح پیزومتری یا

$$Sr = \frac{V_y}{V_t}$$

ایستایی به اندازه یک واحد تغییر کند.

- در سفره تحت فشار، وزن لایه محبوس کننده بالایی قسمتی توسط فشار هیدروستاتیک و قسمتی دیگر توسط مواد جامد داخل سفره تحمل می‌شود، وقتی که فشار هیدروستاتیک با پمپاژ کردن از سفره کاهش می‌یابد، بار سفره افزایش یافته و باعث رانده شدن آب از سفره می‌گردد.
- کم شدن فشار هیدروستاتیک سبب انبساط جزیی آب داخل سفره و موجب رهایی آن می‌گردد.
- آبدهی لایه‌های تحت فشار عمدتاً نتیجه ۳ مکانیسم است:

۱- تراکم یا فشردگی لایه آبدار و لایه محصور کننده، بعلت پایین رفتن سطح پیزومتريک.

۲- نشت از لایه‌های آبدار دیگر، از طریق لایه‌های نیمه تراوا (مثلاً از سفره‌های آزاد فوقانی).



۳- زهکشی از منافذ لایه آبدار، در حالیکه سفره تحت فشار در محل بیرون زدگی خود در سطح زمین به یک سفره آزاد تبدیل می‌شود.

▪ در لایه آبدار ضریب ذخیره همان آبدهی ویژه است؛ در لایه آبدار تحت فشار ضریب ذخیره خیلی کمتر از سفره آزاد است.

▪ پدیده پس ماند؛ مربوط به هوای محبوس است که ضمن بالا آمدن سطح ایستابی برای مدتی در خاک باقی می‌ماند.

▪ تخلخل قابل اشغال به علت پدیده پس ماند کمتر از آبدهی ویژه است.

▪ بهترین و معمول‌ترین راه اندازه‌گیری مقدار ضریب ذخیره؛ استفاده از آزمون پمپاژ چاه‌هاست.

▪ آبدهی مجاز: آبی که می‌توان از سفره برداشت بدون آنکه نتایج نامطلوبی داشته باشد، یا مقدار آبی است که با پمپاژ آن مقدار آب سطح پیزومتری یا ایستابی بطور محسوس پایین نیافتد.

▪ بهنگام پمپاژ چاه با دبی مجاز سطح آب در چند ساعت اولیه افت کرده ولی به زودی به تعادل رسیده و دیگر افت نمی‌کند.

▪ آثار نامطلوب بر اثر پمپاژ بیش از حد از این قرار است: ۱- بیشتر کردن عمق چاه ۲- نفوذ آب شور دریا ۳- فرونشست زمین ۴- ترک خوردن خاک ۵- نفوذ از مناطق کم آب ۶- خالی شدن منبع آب زیرزمینی.

فصل دوم: جریان آبهای زیر زمینی

▪ آبهای زیرزمینی موجود در لایه‌های آبدار در حرکت است که بنابر اصول هیدرولیک انجام می‌گیرد.

▪ حرکت آبهای زیرزمینی در منطقه تهویه و در لایه‌های محصور کننده کم تراوا عمدتاً در جهت قائم رو به پایین یا بالا است.

▪ آب زیرزمینی بطور کلی از ترازهای پر انرژی‌تر به ترازهای کم انرژی‌تر حرکت می‌کند و این انرژی اساساً نتیجه ارتفاع و فشار است.

▪ سرعت حرکت آب زیرزمینی در مقایسه با آبهای سطحی به مراتب کمتر است که این مسئله به خاطر افت بار خیلی زیاد در مسیر می‌باشد.



- در بررسی حرکت آب زیرزمینی معمولاً از انرژی جنبشی که طبق فرمول برابر $\frac{1}{2}mv^2$ است و متناسب است با توان دوم سرعت؛ به دلیل سرعت بسیار کم، صفر در نظر گرفته می‌شود و می‌توان از انرژی جنبشی صرف نظر کرد.

حرکت آب در لایه‌های آبدار:

- خطوط مستقیم فرضی حرکت مولکول‌های آب در زیرزمین را اصطلاحاً «خط جریان» گویند.
- بار فشار: به ارتفاع آب در پیزومتری که تا نقطه فرورفته باشد بار فشار $\left(\frac{p}{\gamma}\right)$ گویند.
- بار ارتفاع: فاصله قائم بین یک نقطه معین و یک سطح مبنای دلخواه (Z).
- مجموعه بار ارتفاع و بار فشار در یک نقطه معین بار کل (H) یا بار هیدرولیکی نامیده می‌شود.

$$H = \frac{p}{\gamma} + z$$

- برای تعیین جهت حرکت افقی در لایه آبدار آزاد یا محبوس بایستی حداقل ۲ چاه پیزومتری حفر کرد و اعمال زیر را انجام داد.

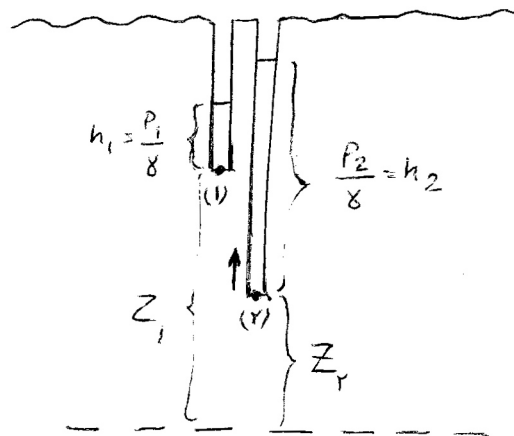
۱- اندازه‌گیری دهانه حفر چاه از روش ترازبایی تفریقی

۲- اندازه‌گیری عمق سطح ایستابی آب در داخل چاه

۳- بدست آوردن بار هیدرولیکی H یا کم کردن مورد ۲ از ۱

بایستی توجه داشت که هر دو پیزومتر در یک لایه آبدار حفر شود.

- برای تعیین جهت حرکت عمودی: مقدار کل انرژی ۱ و ۲ اندازه‌گیری می‌شود. در صورتیکه کل انرژی در نقطه ۱ بیشتر از کل انرژی در نقطه ۲ باشد. جریان از نقطه ۱ به ۲ بوده یعنی از بالا به پایین و بالعکس است در این شکل انرژی نقطه ۲ بیشتر از نقطه ۱ است و در نتیجه جریان از پایین به بالا است.



- حرکت افقی آب در لایه آبدار تحت تأثیر عواملی چون: شرایط زمین شناسی و نحوه قراگیری لایه ها و هیدرولیک یا بار آبی منطقه و همچنین تکتونیک منطقه است.
- آب مسیری را برای حرکت انتخاب می کند که کمترین افت انرژی و همچنین راه خروج داشته باشد.
- برای مطالعه حرکت آب یا هر مایع دیگر در محیط متخلخل از قانون دارسی استفاده می شود.
- گرادیان هیدرولیک: نسبت $\frac{H_2 - H_1}{l}$ را گرادیان هیدرولیک گویند.
- وقتی جریان اساساً افقی باشد؛ شیب سطح ایستایی در سفره های آزاد و محبوس نمایانگر گرادیان هیدرولیک است.

$$v = k \frac{dh}{dl} \text{ صورت کلی معادله دارسی:}$$

- در این فرمول v : سرعت دارسی و k ضریب تناسب است.
- طبق فرمول سرعت جریان آب در محیط های متخلخل با افت بار یا افت پتانسیل ($H_1 - H_2$) نسبت مستقیم و با طول مسیر جریان آب L نسبت معکوس دارد.

$$Q = KA \frac{dh}{dl} \text{ صورت دیگری از معادله دارسی:}$$

- افت پتانسیل ناشی از اصطکاک آب با محیط متخلخل است و بصورت انرژی گرمایی است.



- ضریب تناسب k در معادله داری به مشخصات مواد سازنده لایه آبدار بستگی دارد و به آن ضریب نفوذپذیری یا ضریب تراوایی یا هدایت هیدرولیکی گویند و مقدار آن برای شن، ماسه و گراول بیشتر از رسوبات دانه ریز است.
- سرعت داری سرعت واقعی آب نیست چون این سرعت، سرعت آب در شرایطی که آب از تمام سطح مقطع عمود بر جریان (شامل فضای خالی و بخش های جامد) عبور می کند را نشان می دهد.
- (V_a) سرعت واقعی یا سرعت متوسط میان روزه های حالتی است که فقط سطح مقطع عبوری آب در نظر گرفته می شود (Q ; دبی α ؛ تخلخل، A سطح مقطع)

$$V_a = \frac{Q}{\alpha \cdot A}, Q = V \times A, V_d = V_a \times \alpha$$

- بطور کلی می توان گفت سرعت داری یک مفهوم ماکروسکوپی دارد حال آنکه سرعت واقعی یک حالت میکروسکوپی داشته و جریان یک مسیر پرپیچ و خم را طی می کند.

حدود اعتبار قانون داری:

- معادله داری تنها در شرایطی که جریان آب از نوع ورقه ای «آرام» باشد اعتبار دارد، در جریان های ورقه ای افت بارها به طور خطی افزوده می شود.
- در نتیجه افزایش سرعت، مولکول های آب نامنظم حرکت می کنند و آشفتگی هایی به وجود می آورند که آنرا جریان «متلاطم» می گویند و گرداب ها یا آشفتگی هایی را به وجود می آورد؛ اینگونه جریان ها فقط در جایی ممکن است ایجاد گردد که فضای خالی و گرادیان هیدرولیک هر دو بزرگ باشند؛ از جمله در سازندهای بسیار متخلخل بازالتی یا آهکی و فواصل خیلی کم از چاه ها در حال پمپاژ.
- عدد رینولدز: در مکانیک سیالات تعیین جریان آرام از جریان آشفته (نوع جریان) با این عدد مشخص

$$NR = \frac{pvD}{\mu}$$

می شود که عددی بدون بعد است و بصورت مقابل بیان می شود.

- D : قطر لوله، V : سرعت سیال؛ p : چگالی، μ : گرانروی سیال



- عدد رینولدز، معیاری است که نسبت اینرسی (جرم در سرعت) به نیروی چسبندگی در آب را نشان می‌دهد.
- نسبت $\frac{\mu}{p}$ به نام گرانیوی سینماتیک خوانده می‌شود.
- قانون دارسی در $NR < 1$ معتبر است و $NR = 10$ ماکزیمم حد بکار بردن جریان در قانون دارسی را نشان می‌دهد.
- در مورد آبهای زیرزمینی اکثراً NR کمتر از یک است و بنابراین قانون دارسی معتبر است.
- یکی از حالاتی که ممکن است قانون دارسی معتبر نباشد در رسوبات دانه‌ریزی مثل رس‌ها است که به دلیل کوچکی و وجود کشش سطحی و شیب هیدرولیکی کم جریان آب در رس‌ها از جریان دارسی انحراف پیدا می‌کند.

نفوذپذیری K:

- نفوذپذیری توانایی یک محیط را برای عبور دادن آب نشان می‌دهد.
- از نظر ابعادی مثل v (طول / زمان) از این رو واحد ضریب نفوذپذیری نیز مثل سرعت، سانتیمتر بر ثانیه یا متر بر ثانیه است؛ در عمل آنرا بر حسب متر بر روز بیان می‌کنند.
- مقدار k در رسوبات و سنگ‌ها به اندازه و تعداد فضاهای خالی و نحوه ارتباط آنها با هم بستگی دارد؛ در رسوبات و سنگ‌های متراکم بستگی به تخلخل ثانویه دارد.
- متداول‌ترین روش‌های اندازه‌گیری k : ۱- روش فرمولی ۲- روش آزمایشگاهی ۳- آزمایش چاه اوگر ۴- ردیابی ۵- آزمایش پمپاژ
- در روش آزمایشگاهی به ۲ طریق؛ بار ثابت و تراواسنجی با بار افتادن انجام می‌گیرد.
- روش بار ثابت: آب ساز زیر نمونه وارد شده و پس از گذشتن از نمونه جمع آوری می‌شود. هدایت هیدرولیکی

$$k = \frac{V \times L}{A \times H \times t}$$

در این روش از فرمول: k به دست می‌آید. (V : حجم خروجی آب، L : ارتفاع نمونه، H :

فاصله قائم بین ۲ سطح آب ورودی و آب روی نمونه، T : فاصله زمانی، A : سطح مقطع نمونه).



روش بار افتان: ابتدا کل لوله با آب پر می شود و سپس از طریق سیلندر از داخل نمونه گذشته و جمع آوری می شود و

$$k = \frac{r_t^2 \times l}{r_c^2 \times t} h_1 \frac{h_2}{h_1}$$

با استفاده از این فرمول محاسبه می شود:

نفوذپذیری ذاتی یا نفوذپذیری ویژه: $\left(k = \frac{cd^2 pg}{\mu} \right)$ در این فرمول μ ، p ، ازتوابع مایع و cd^2 فقط از توابع

محیط متخلخل است.

(μ) ویسکوزیته مطلق، c ضریب نسبت، p دانسیته مایع و g شتاب ثقل و cd^2 هدایت هیدرولیکی است).

▪ دیمانسیون نفوذپذیری ذاتی ($m^2 L^2$) است.

▪ تراوایی ذاتی فقط تحت تاثیر فاز جامدی می باشد.

روش فرمولی: رابطه بین ضریب آبگذری و خواص محیط متخلخل $K = F_s F_a D^2$

F_s فاکتور شکل دانه، F_a فاکتور تخلخل، d^2 قطر مشخصه خواص خاک، این فرمول برای ذرات هم اندازه است و در

طبیعت عملاً کاربردی ندارد.

روش ردیابی: در این روش زمان لازم برای انتقال یک ردیاب از یک چاهک به چاهک دیگر اندازه گیری می شود. سپس

با توجه به سرعت متوسط میان روزنه ای ردیاب می توان K را اندازه گیری نمود.

برای اینکار ابتدا بایستی سرعت متوسط جریان آب بین ۲ نقطه را بدست آورد و سپس با داشتن گرادیان هیدرولیک

و تخلخل متوسط سفره بین ۲ نقطه با استفاده از فرمول بدست آورید.

$$K = \frac{V \times a \times d \times l}{dh}$$

V_a سرعت واقعی، a تخلخل، L : طول مسیر



$$K = \frac{a \times L^2}{h \times t}$$

- از ردیاب‌ها علاوه بر اندازه‌گیری K در مسیر حرکت، ارزیابی سرعت آبهای زیر زمینی، سن منشاء، محل تغذیه و همچنین مطالعه حرکت آلاینده‌های آبهای زیرزمینی مورد استفاده قرار می‌گیرد.
 - موادی که به طور طبیعی در آبهای زیرزمینی وجود دارند و بعنوان ردیاب‌های محیطی مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ شامل: ایزوتوپ‌های کربن ۱۴، تریتم، دوتریم و اکسیژن ۱۸ و غیره است.
- معایب این روش: ۱- سرعت کم حرکت و طولانی شدن آزمایش
- ۲- زیاد بودن تعداد چاهک‌های احداثی و مقرون به صرفه نبودن
- ۳- مطابق بودن لایه‌ها ۴- لزوم برآورد تخلخل و مشکل بودن اندازه‌گیری تخلخل.
- ردیاب‌های متداول: فلوئورسین سدیم و نمک‌ها مثل نمک طعام (ساده، ارزان و بی خطر هستند اما توسط رس‌ها ممکن است جذب شوند)

ویژگی‌های یک ردیاب مطلوب:

- ۱- به آسانی قابل آشکارسازی باشد ۲- در مقادیر کم بکار رود ۳- خصوصیات هیدرولیکی لایه را تغییر ندهند ۴- به وسیله محیط متخلخل جذب نشود ۵- با آبهای طبیعی واکنش و رسوب ندهد ۶- در لایه‌های آبدار به مقدار زیاد وجود نداشته باشد ۷- سمی نباشد و موجب آلودگی لایه آبدار نشود ۸- ارزان و در دسترس باشد ۹- اگر از نوع رادیواکتیوی است نیمه عمر مفیدی داشته باشد.

چند ماده و روش ردیابی:

- ۱- رنگ سنجی (رنگ‌های آلی، نمک‌های انحلال پذیر کرمات و ...).
- ۲- تجزیه شیمیایی (نمک‌های محلول کلرید، بوراکس، اسید بوریک، سولفات مس).
- ۳- هدایت الکتریکی (هر نوع الکترولیت قوی).
- ۴- تشعشعات هسته‌ای (برم ۸۲، کبالت ۶۰ فسفر ۳۲، روبیدیم ۸۶).
- ۵- طیف نگار جرمی (هلیوم، دوتریم، اکسیژن ۱۸).



روش چاه اوگر:

در این روش یک چاهک به قطر ۲۰-۱۰ سانتیمتر و به عمق حدود ۶ متر احداث می‌شود و سپس بوسیله ظرف خاصی آب داخل چاهک تخلیه می‌شود و سطح ایستایی افت می‌کند و بتدریج با پر شدن چاهک افت جبران می‌شود.

با اندازه‌گیری عمق سطح آب در زمان‌های مختلف؛ نمودار عمق بر حسب زمان رسم می‌شود و با استفاده از شیب نمودار، K محاسبه می‌شود.

- مزیت این روش در سادگی و عمق کم آن است.
- معایب این روش: ۱- K در یک محدوده کوچکی که در مجاور چاهک است اندازه‌گیری می‌کند ۲- بایستی H یا (ارتفاع سطح ایستابی از سطح مبنا) را بدانیم.
- این روش برای مواردی که با طراحی زهکش‌ها سرو کار داریم بسیار کاربردی است.

آزمایش پمپاژ:

یکی از قابل اعتمادترین متدها برای اندازه‌گیری K است؛ این روش در نزدیکی چاه پمپاژ یک چاه مشاهده‌ای حفر می‌شود و طی زمان پمپاژ افت آب در چاه مشاهده‌ای حفر شده اندازه‌گیری می‌شود و زمان مربوط به این اندازه‌گیری از شروع پمپاژ بعنوان داده‌های زمان افت ثبت می‌شود و با استفاده از فرمول K محاسبه می‌گردد.

نفوذ پذیری قائم و افقی:

با توجه به اینکه مواد رسوبی کمتر به صورت کروی کامل هستند؛ ذرات در زیر آب از طرف پهن خود ته نشین می‌شود این ذرات ممکن است کمی به طرف بالا در جهت جریان آب، کج شده که به این گونه آرایش «ساخت فلسی» گویند.

- ساخت فلسی غالباً در رسوبات دانه درشت دیده می‌شود.



- در رسوبات با ساخت فلسی مولکول‌های آب در جهت قائم پریپیچ و خم‌تر از جهت‌های افقی است.
- در نتیجه K در جهت قائم Kz کمتر از Kx در جهت افقی است؛ در حالتی که K در جهات مختلف یکسان نباشد «آنیزوتروپ» و در حالتی که K در تمام جهات یکسان نباشد «ایزوتروپ» خوانده می‌شود.
- حالت «آنیزوتروپی» در رسوبات آبرفتی بیشتر به صورت یک قاعده است.
- در لایه‌های آبرفتی ناهم‌سویی به ۲ دلیل عمده حاصل می‌شود: ۱- ذرات در حین ته نشینی تمایل دارند که با سطوح پهن خود نهشته شوند ۲- در طبیعت در بسیاری موارد لایه‌هایی داریم که بر روی یکدیگر قرار گرفته‌اند ولی K آنها یکسان نیست.
- مقدار $\frac{Kx}{Kz}$ همیشه بزرگتر از یک می‌تواند باشد و در بسیاری موارد بین ۱۰-۲ متغیر است؛ اگر در لایه آبدار رس موجود باشد؛ این نسبت بالاتر خواهد بود.
- اگر مقدار K در یک سازند زمین‌شناسی مستقل از مکان باشد به آن سازند هموزن و اگر وابسته به مکان باشد و در نقاط مختلف متفاوت باشد هتروژن گفته می‌شود.
- اگر مقدار K مستقل از جهت اندازه‌گیری در یک نقطه از یک سازند باشد به آن ایزوتروپ یا ناهمسانگرد و اگر مقدار k در جهات مختلف متفاوت باشد؛ آنیزوتروپ یا ناهمسو گویند.
- انواع هتروژنی عموماً به ۲ دسته تقسیم می‌شوند.
 - ۱- لایه‌ای: در این صورت هر کدام از لایه‌ها هموزن بوده ولی در مجموع تشکیلات زمین‌شناسی هتروژن است، این حالت عموماً در سنگ‌های رسوبی و ته نشست‌های دریایی ایجاد می‌گردد، مثال این حالت سیستم (الیفر - اکیترد) است.
 - ۲- هتروژنی روندی: این نوع هتروژنی ممکن است در هر نوع سازندی مشاهده شود ولی معمولاً در سازندهایی مثل دلتاها، مخروط افکنه‌ها و رسوبات یخچالی مشاهده می‌شود.



- اگر جریان افقی در حالت آنیزوتروپی در لایه‌های متفاوت اتفاق بیافتد؛ گرادین هیدرلیکی (i) در تمام لایه‌ها یکسان خواهد بود، اگر (i) یکسان نباشد آنگاه در طول سطوح مشترک بین لایه‌ها اختلاف بار فشار وجود خواهد داشت که در یک جریان افقی غیر ممکن است.
- جریان q در لایه افقی در واحد عرض، طبق قانون دارسی به صورت زیر بیان می‌شود:

$$q = iKz_1$$

ضریب نفوذپذیری میانگین سازند در جهت قائم:

$$k_z = \frac{z_1 + z_2 + \dots + z_n}{\frac{z_1}{K_1} + \frac{z_2}{K_2} + \dots + \frac{z_n}{K_n}}$$

حرکت عمودی آب در لایه‌های عمودی مانند حرکت افقی در لایه‌های افقی بوده و حرکت افقی در لایه‌های عمودی مانند حرکت عمودی در لایه‌های افقی است.

ضریب نفوذپذیری میانگین سازند در جهت افقی

$$k_x = \frac{k_1 z_1 + k_2 z_2 + k_3 z_3 + \dots + k_n z_n}{z_1 + z_2 + z_3 + \dots + z_n}$$

ضریب آبگذری: پارامتری است که قابلیت عبور آب را در تمام ضخامت لایه آبدار نشان می‌دهد حاصلضرب نفوذپذیری در ضخامت سفره را ضریب آبگذری گویند که با نماد (T) نمایش داده می‌شود.

$$T = D \times K$$

$$Q = WTi$$

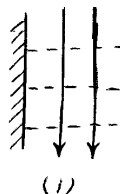
- D ضخامت سفره، K ضریب نفوذپذیری
- W عرض لایه، T ضریب آبگذری i شیب هیدرولیکی
- ضریب آبگذاری علاوه بر نفوذپذیری با ضخامت لایه آبدار نیز بستگی دارد.
- مقدار T در لایه‌های آبدار آزاد و محبوس با آزمون پمپاژ چاه‌ها تعیین می‌شود.



- مقدار T عبارتست از $\frac{L^2}{t}$ و واحد T معمولاً متر بر روز است.
- نقشه تراز آب زیر زمینی: شامل نقشه تراز سطح ایستابی و پیزومتریک است با استفاده از چاه‌های مشاهده‌ای در رسم این نقشه‌ها فرض می‌شود لایه اساساً در جهت افقی است و بنابراین سطوح هم پتانسیل قائم هستند.
- هرچه یک چاه تا عمق کمتری در زیر سطح ایستابی نفوذ کند؛ تراز آب درون چاه بهتر می‌تواند نمایانگر ارتفاع سطح ایستابی واقعی باشد.
- برای سفره‌های تحت فشار بایستی مطمئن باشیم که پیزومترها تا سفره مورد نظر نفوذ کرده باشد و آب سفره‌های دیگر وارد آنها نشود. این نقشه‌ها را «ایزوپیز» می‌خوانند.
- در نقشه‌های هم پتانسیل جریان به صورت ۲ بعدی در نظر گرفته می‌شود، شبکه دو بعدی از ترسیم خطوط جریان و خطوط هم پتانسیل بوجود می‌آید، خطوط جریان یگدیگر را قطع نمی‌کنند.
- این خطوط بر هم عمودند و مربع‌های کوچکی را تشکیل می‌دهند.
- در یک محیط هموزن و ایزوتروپ که به طور کامل اشباع شده است؛ سه نوع مرز برای یک جریان دائمی می‌تواند وجود داشته باشد.

۱- مرز نفوذ ناپذیر: هیچ جریانی از این مرز عبور نمی‌کند، خطوط جریان مجاور لایه غیر قابل نفوذ بایستی موازی با آن باشد و خطوط هم پتانسیل بایستی عمود بر این مرز باشد؛ مانند وجود یک لایه رس که هیچ

$$\frac{dh}{dx} = 0 \text{ جریانی از آن نمی‌گذرد.}$$



خطوط ممتد در این شکل نشان‌دهنده خطوط جریان و خطوط فاصله‌دار نشان‌دهنده خطوط هم پتانسیل است.



۲- مرز با بار ثابت: در این مرز بار هیدرولیکی ثابت بوده و بعنوان خط هم پتانسیل می باشد، خطوط جریان بایستی عمود بر مرز باشد و خطوط هم پتانسیل موازی با مرز است. $h=c$ مانند مرزهای آبی که ارتفاع آب ثابت است مانند دور تا دور یک دریاچه.

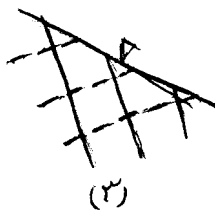
۳- مرز با سطح آزاد آب: در این نوع مرز آب نه خط جریان است نه خط هم پتانسیل و بطور ساده یک خط متغیر بنام head می باشد. این نوع مرز در مواردی رخ می دهد که جریان عمودی نداشته باشیم

▪ از بررسی بخشی از شبکه جریان در شکل مقابل شیب هیدرولیکی را می توان به صورت $i = \frac{dh}{ds}$ و جریان

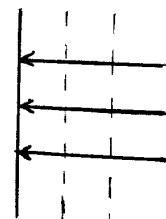
ثابت q بین دو خط مجاور (ضخامت واحد در نظر گرفته شده) $q = k \frac{dh}{ds} \cdot dm$ با توجه به مربع بودن

شبکه جریان $q = K \cdot dh$ با توجه به اینکه کاهش بار کل مابین ۲ خط جریان به n مربع تقسیم شده

$$dh = \frac{H}{h}$$



(۳)



(۲)

▪ اگر کل جریان به m لوله یا کانال تقسیم شده باشد در نهایت می توان نوشت $Q = \frac{m}{n} TH$ که در این

فرمول n : تعداد کانال های هم پتانسیل و m : تعداد کانال های جریان، T : ضریب قابلیت انتقال H : کل کاهش بار در طول منطقه جریان می باشد.

برای مثال در شکل مقابل

$$M=13, n=3, H=-30-(-60)=30$$

▪ منطقه مابین دو خط جریان همجوار را کانال یا لوله جریان می نامند؛ اگر فواصل خطوط مساوی قرار داده شود، مقدار دبی لوله های جریان با همدیگر مساوی خواهد شد.



- معمولاً منحنی میزان های محدب تغذیه و منحنی میزان های مقعر محل تخلیه آب های زیرزمینی را نشان می دهد.

تفسیر نقشه های تراز

(۱) جهت جریان در هر نقطه بر خطوط تراز عمود است؛ بار انرژی یا پتانسیل سیال در هر نقطه در سطح ایستایی

$$H = \frac{P}{\gamma} + z$$

یا پیزومتریک تقریباً برابر با

فشار در سطح ایستایی برابر صفر در نظر گرفته می شود در نتیجه $H=Z$ است.

(۲) دبی در واحد عرض سفره عبارتست از $q=Ti$ و گرادیان هیدرولیک را می توان از روی نقشه تراز با استفاده از

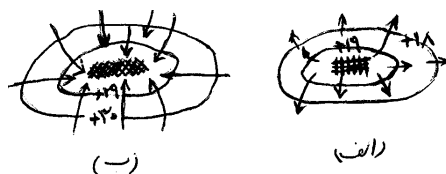
$$i = \frac{H_2 - H_1}{L}$$

رابطه i یا (اختلاف ارتفاع / فاصله خطوط تراز) می توان محاسبه کرد و با معلوم بودن ضریب نفوذ

پذیری، سرعت جریان نیز با استفاده از رابطه $V=Ki$ قابل محاسبه است.

(۳) تشخیص مناطق تغذیه و تخلیه

الف (مناطق تخلیه: هنگامی که خطوط هم پتانسیل بصورت دوایر متحدالمرکز که انرژی خطوط بیرونی به سمت درونی کاهش می یابد؛ منطقه تخلیه را مشخص می سازد.



تخلیه در آب های زیرزمینی در ۲ حالت کلی ممکن است رخ دهد:

۱- پمپاژ بوسیله چاه ۲- تخلیه از سنگ کف (در اثر گسل یا عوامل دیگر)

ب (مناطق تغذیه: در مناطق تغذیه خطوط هم پتانسیل بصورت دوایر متحدالمرکز هستند و مقدار انرژی از

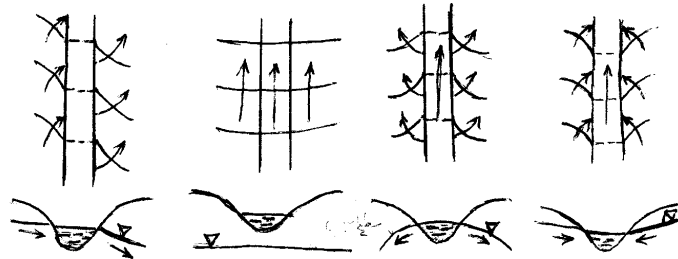
دوایر درونی به بیرونی کاهش می یابد؛ در ۲ حالت اتفاق می افتد: ۱- تغذیه از سطح زمین ۲- تغذیه از سنگ کف.

ارتباط آب های سطحی با سفره های زیر زمینی



وقتی خطوط جریان از یک رودخانه دور شوند نشانه این است که رودخانه لایه آبدار را تغذیه می کند (رود دهنده) و چنانچه جریان به سمت رودخانه باشد رودخانه آب زیرزمینی را زهکشی می کند.

▪ با تغییر تراز آب، رودخانه ممکن است به یک روددهنده یا به عکس تبدیل شود.



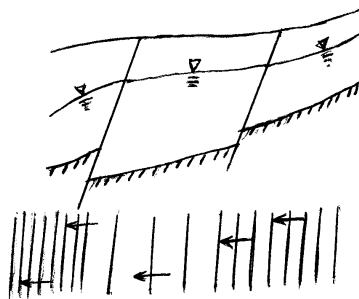
گرادیان هیدرولیک ممکن است در جهت جریان آب زیرزمینی افزایش یا کاهش پیدا کند. در صورت نبودن منابع تغذیه این موضوع نتیجه تغییرات ضخامت لایه آبدار یا ضریب نفوذپذیری یا هر دو عامل است:

با افزایش فاصله خطوط تراز مقدار نفوذپذیری K افزایش می یابد $\frac{k_1}{k_2} = \frac{i_1}{i_2}$

اگر فاصله خطوط تراز یکسان باشد و فاصله خطوط جریان بیشتر باشد مقدار k کاهش می یابد $\frac{K_1}{K_2} = \frac{W_2}{W_1}$

با توجه به فرمول $Q = w_1 i_1 = w_2 i_2$: فاصله خطوط جریان w

$$\frac{K_1}{K_2} = \frac{w_2 i_2}{w_1 i_1} \quad \text{یا} \quad w_1 k_1 i_1 = w_2 k_2 i_2 \quad \text{فاصله خطوط تراز } i$$



۶- سطوح و زون های نفوذناپذیر (مثل یک گسل یا یک زون رسی) باعث می شود که خطوط جریان جهت خود را عوض کنند؛ اگر مرزهای سفره از سازند نفوذناپذیری تشکیل شده باشد؛ چون هیچ جریانی از چنین سازندی عبور نمی کند، بنابراین خطوط جریان موازی مرزهای سفره است.



۷- سطوح ایستایی در طرفین یک گسل نفوذناپذیر ممکن است در ترازهای مختلفی قرار گرفته باشد؛ یک مرز نفوذناپذیر یک خط جریان نیز بحساب می آید؛ اگر زون گسلی نیمه تراوا باشد، آب ممکن است از آن عبور کند که نشانه آن یک افت بار موضعی در جهت عمود بر گسل است.

۸- خط تقسیم آب زیرزمینی (آب پخشان) خطی است در سطح افق که حوضه را به بخش‌هایی تقسیم می کند؛ این خط از نظر مطالعات آلودگی اهمیت دارد.

▪ نکاتی که بایستی در ترسیم نقشه تراز رعایت شود عبارتست از:

- ۱- در دو سوی منابع سطحی که با لایه ارتباط هیدرولیکی دارد؛ نباید درون‌یابی انجام گیرد.
 - ۲- باید توجه داشت که گسل‌ها به عنوان سدهای هیدرولیکی در نظر گرفته می‌شود و طرفین گسل را باید جداگانه در نظر گرفت.
 - ۳- به مناطق تحت تأثیر بهره برداری زیاد یا تغذیه مصنوعی بایستی توجه شود.
 - ۴- پرهیز از درون‌یابی نقاط خیلی دور از هم.
 - ۵- اطمینان از اینکه سطح آب درون چاه‌ها نمایانگر سطح ایستابی یا پیزومتریک باشد.
 - ۶- سطح آب درون قنات‌ها نباید به عنوان سطح ایستابی در نظر گرفته شود.
- برآورد K و T با استفاده از نقشه: دانستن این ضرایب از لحاظ تعیین بهترین نقاط برای حفر چاه و بهره‌برداری از آبهای زیرزمینی اهمیت زیاد دارد.
- اندازه‌گیری این ضرائب از طریق آزمون پمپاژ چاه‌ها صورت می‌گیرد.
- با فرض ایزوتروپ بودن لایه خطوط جریان عمود بر خطوط هم پتانسیل رسم می‌شود و یک شبکه جریان به وجود می‌آید.

رابطه بین فاصله خطوط جریان w و خطوط پتانسیل L و ضریب آبدگری و هدایت هیدرولیکی به طور کلی

$$TB = \frac{LBWA}{LAWB} \times TA$$

عبارتست از:



$$KB = \frac{LBWA}{LAWB} \times KA$$

T با فاصله خطوط هم پتانسیل L متناسب است و T با فاصله خطوط جریان w نسبت عکس دارد.

k با فاصله خطوط هم پتانسیل L متناسب است و با خطوط جریان نسبت عکس دارد.

سیستم‌های هتروژن و قانون تانژانت:

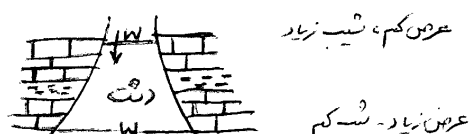
- وقتی خطوط جریان از مرز زمین‌شناسی بین دو سازند با مقدار هدایت هیدرولیکی متفاوت عبور می‌کنند، همانند انکسار نور رفتار می‌کند، اگر چه انکسار در جریان آبهای زیرزمینی به جای سینوس از قانون تانژانت تبعیت می‌کند.

$$\frac{\tan g \theta_1}{\tan g \theta_2} = \frac{K_1}{K_2} \quad \leftarrow \text{قانون تانژانت}$$

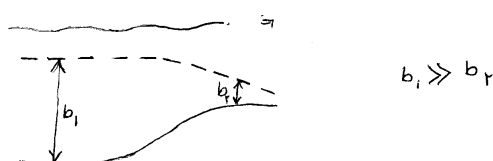
در یک سیستم اکیفر - اکی ترد با نفوذپذیری ثابت ۲ برابر یا بیشتر، روند خطوط جریان در اکیفر بطور افقی و در آکیترد بصورت عمودی است. ساختن سیستم جریان بصورت مربع‌های کوچک در سازندهای هتروژن، امکان پذیر نیست و اگر در یکی بصورت مربع درآید در سازند دیگر بصورت مستطیل خواهد بود.

علل تغییرات عمده شیب هیدرولیکی:

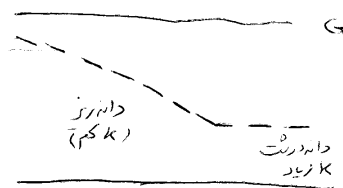
۱- مقدار w افزایش قابل توجهی یافته و مقدار D, K ثابت باشد.



۲- مقدار W, K تقریباً ثابت، اما مقدار D بطور قابل توجهی افزایش یابد.



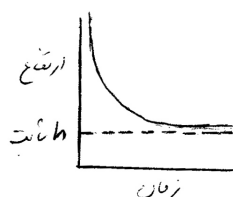
۳- W, K ثابت باشند و لیکن مقدار k به طور قابل توجهی افزایش یابد.



۴- ممکن است هر سه پارامتر تغییر کرده باشد که در کل باعث کاهش شیب هیدرولیکی خواهد شد.

- هیدروگراف چاه: عبارتست از نموداری که تغییرات سطح سفره آب را نسبت به زمان نشان می‌دهد از جمله مواردی که می‌توان با هیدروگراف چاه مشخص نمود: چگونگی تخلیه آب زیر زمینی، تأثیرات تغذیه طبیعی یا مصنوعی است.

- در صورتیکه هیدروگراف چاه به صورت روبرو باشد با گذشت زمان سرعت پایین افتادن سطح آب مرتباً کاهش می‌یابد بنابراین پمپاژ بی‌رویه نبوده و جای نگرانی نیست.



- هیدروگراف واحد دشت: عبارتست از تغییرات ارتفاع متوسط با سطح سفره آب در یک دشت.
- برای ترسیم این هیدروگراف بایستی H را در ماه‌های مختلف در مقابل زمان رسم می‌کنیم.

- $H = \sum \frac{a_i}{A_1} \times hf$ (a₁: مساحت چاه، A₁: مساحت کل دشت، hf: ارتفاع آب چاه در هر ماه)

کاربرد هیدروگراف واحد دشت عبارتست از:

- ۱- محاسبه تغییرات حجم آب در لایه آبدار در یک فاصله زمانی مشخص
- ۲- تعیین دوره‌های ماکزیمم و مینیمم سطح آبهای زیرزمینی
- ۳- مشخص نمودن تغییرات سطح سفره آب در یک دوره دراز مدت

فصل چهار: هیدرولیک چاه و آزمایش پمپاژ



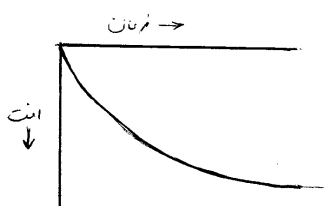
- ضریب نفوذپذیری K ضریب آبگذری T و ضریب ذخیره یا آبدهی ویژه S مشخص کننده خصوصیات هیدرولیکی لایه‌های آبدار است که ضرائب هیدرودینامیکی نیز نامیده می‌شود.
- پیش‌بینی درست حرکت آب زیرزمینی قبل از هر چیز به دقت برآورد کردن پارامترهای هیدرولیکی سفره بستگی دارد.
- قابل اعتمادترین و مهم‌ترین روش تعیین ضرائب هیدرودینامیکی «آزمون پمپاژ» است.
- پیش‌بینی دبی در چاه برای تعیین چگونگی بهره‌برداری از آن، از قبیل موتور پمپ مناسب و عمق قرار دادن پمپ لازم است.

سطح ایستابی به ۲ دسته تقسیم می‌شود:

- ۱- سطح ایستابی استاتیک یا ثابت یا ایستا: سطح ایستابی قبل از پمپاژ آب
 - ۲- سطح ایستابی دینامیکی یا پویا: سطح ایستابی که بعد از پمپاژ آب در اطراف چاه پمپاژ داریم در این حالت افت به حالت تعادل می‌رسد
- افت: فاصله بین ۲ سطح ایستابی در قبل و بعد از پمپاژ در هر نقطه را افت در آن نقطه در نظر می‌گیرند که با s یا h نشان داده می‌شود. اگر مقادیر افت را در نقاط مختلف بهم وصل کنیم، منحنی افت حاصل می‌شود.
 - هر چه مقدار آبکشی بیشتر باشد؛ بر مقدار مخروط افت نیز افزوده می‌شود، هرچه از چاه آبکشی دورتر شویم مقدار افت سطح ایستابی یا پیزومتریک کمتر می‌شود.
 - هر چه به چاه نزدیک شویم گرادیان هیدرولیک و در نتیجه سرعت آب بیشتر می‌شود.
 - سطح ایستابی یا پیزومتریک به صورت یک فرورفتگی مخروطی شکل است که راس آن در چاه و قاعده آن در سطح ایستابی واقع است که به این فرورفتگی «مخروط افت» گویند.
 - رشد مخروط افت تا جایی ادامه دارد که دبی پمپاژ معادل تخلیه طبیعی لایه آبدار شود.
 - حد منطقه‌ای که سطح مخروط افت با سطح ایستابی یا پیزومتریک اولیه مماس شود «منطقه یا دایره تأثیر» و شعاع این منطقه را شعاع تأثیر گویند که با « r_e » نشان می‌دهند.



- هر چه ضریب آبگذری T کمتر باشد؛ افت در چاه بیشتر و شیب مخروط افت بیشتر است و به عکس هر چه T بیشتر باشد و عمق مخروط افت کمتر خواهد بود.
- هر چه S کمتر باشد گسترش افقی کمتر و هر چه S بیشتر باشد گسترش افقی زیاد می شود.
- بعلت گسترش مخروط افت محل نصب پمپ بسیار اهمیت دارد.
- هر چه دبی پمپاژ بیشتر شود گسترش عمقی و عرضی مخروط افت بیشتر می شود.
- هر چه زمان پمپاژ بیشتر باشد، مخروط افت گسترش بیشتری خواهد داشت.



اختلاف مخروط افت در لایه های آبدار آزاد و محبوس:

- ۱- لایه آبدار آزاد، مخروط افت بصورت حقیقی وجود دارد، در مخروط محبوس افت مجازی است.
 - ۲- در لایه آبدار آزاد، در محدوده مخروط افت لایه غیراشباع شده؛ در حالیکه در لایه محبوس در محدوده مخروط افت، فقط فشار کم شده است.
- معادلات جریان های شعاعی در اطراف چاه ها: در ۲ حالت ماندگار (شرایط تعادلی که هیچ تغییری نسبت به زمان رخ نمی دهد) و غیرماندگار (محاسبه افت سطح ایستابی یا پیزومتریک نسبت به زمان) بررسی می شود.
- فرضیاتی که معادلات جریان های شعاعی دائمی بر اساس آن استوار است؛ در لایه آبدار آزاد محبوس:

- ۱- مقدار Q ثابت باشد
- ۲- چاه تمام ضخامت لایه آبدار را قطع کرده
- ۳- لایه آبدار همگن و ایزوتروپ باشد
- ۴- شیب خط پیزومتری اندک باشد (سطح پیزومتری تقریباً افقی باشد).



۵- جریان پایدار و ۲ بعدی باشد

با در نظر گرفتن شرایط پایدار می توان رابطه پیوستگی را در نهایت به این صورت نوشت: $r_1 v_1 = r_2 v_2$

هر چه به چاه نزدیک شویم r کم می شود بنابراین باید به سرعت v زیاد شود با توجه به همگن فرض کردن لایه ها

$r_1 v_1 = r_2 v_2$ بنابراین هر چه به چاه نزدیک شویم شیب هیدرولیکی زیاد می شود.

بنابراین هر چه به چاه نزدیک شویم شیب هیدرولیکی زیاد می شود

$$Q = K 2\pi r D \frac{dh}{dr}$$

$$\frac{Q}{2\pi b k} = r \left(\frac{dh}{dr} \right)$$

پس از انتگرال گیری بین ۲ نقطه که در فواصل مختلف از چاه قرار دارند، داریم:

$$Q = \frac{2\pi T (h_2 - h_1)}{\ln(r_2 / r_1)} \quad \text{معادله تعادل}$$

اگر ارتفاع سطح آب در داخل چاه و سطح پیزومتریک مجاور یکسان باشد:

$$\longrightarrow h_0 - h_w = \frac{Q}{2\pi T} \ln \frac{r_0}{r_w} \quad Q = \frac{2/73 T (h_2 - h_1)}{\log(r_2 - r_1)}$$

کاربرد معادله تعادل:

۱- محاسبه Q ۲- محاسبه T, K ۳- محاسبه شعاع موثر چاه (r_e)

نکته: هر جریان پایدار Q ثابت دارد اما هر Q ثابتی الزاماً دلیل بر پایدار بودن جریان نیست.

▪ جریان شعاعی پایدار در داخل لایه آبدار آزاد (فرضیات)

۱- جریان (هم Q ثابت، هم مخروط افت با زمان تغییر نکند)

۲- لایه آبدار همگن و ایزوتروپ باشد

۳- لایه آبدار تا بی نهایت ادامه داشته باشد

۴- شیب سطح ایستایی خیلی زیاد نباشد



۵- چاه تمام ضخامت لایه آبدار را قطع کند

- در لایه آزاد هر چه به چاه پمپاژ نزدیک شویم فرضیه نامعقول تر می شود.
- سطح مقایسه در لایه آبدار آزاد همیشه بایستی کف لایه آبدار باشد و در لایه آبدار آزاد تا جاییکه امکان دارد نباید از اطلاعات چاه پمپاژ استفاده کرد.
- در لایه آبدار آزاد به جای D در فرمول حالت محبوس، ارتفاع سطح ایستایی از مرز پایین لایه آبدار قرار داده می شود با انتگرال گیری و تبدیل لگاریتم به اعشار برای لایه های آزاد این فرمول را می توان بکار برد.

$$Q = \frac{1/36K(h_2^2 - h_1^2)}{\log(r_2 - r_1)}, T = \frac{0/366Q}{S_1 - S_2} \log\left(\frac{r_2}{r_1}\right)$$

کاربرد این معادله:

۱- محاسبه T ۲- محاسبه شعاع موثر ۳- رسم منحنی افت

- در لایه آزاد حتی اگر چاه ها بخوبی تجهیز شده و لوله گذاری مناسب باشد با این وجود ارتفاع سطح آب در چاه در حال آبکشی همواره کمتر از ارتفاع سطح ایستایی مجاور چاه است.
- جریان شعاعی ناپایدار به سمت یک چاه در لایه محبوس: در این حالت ۲ پارامتر افزون بر حالت قبل (پایدار) وجود دارد.

۱- زمان پمپاژ (T).

۲- ضریب ذخیره (S).

تساوی دیفرانسیل در این حالت معادله لاپلاس نامیده می شود

$$\frac{\partial^2 h}{\partial r^2} + \frac{\partial^2 h}{\partial y^2} + \frac{dh}{dr} = \frac{s}{T} \frac{dh}{dt}$$

T: زمان شروع پمپاژ، s: ضریب ذخیره، r: فاصله از چاه پمپاژ

در حالت ۲ بعدی به این صورت در می آید



$$\frac{\partial^2 h}{\partial r^2} + \frac{1}{r} \frac{\partial h}{\partial r} = \frac{s}{T} \frac{\partial h}{\partial t}$$

تایس بر اساس مقایسه جریان هدایت گرمایی با جریان آب زیرزمینی به رابطه‌ای دست یافت، خلاصه این معادله

به این طریق نمایش داده می‌شود. $T = \frac{QW(u)}{4\pi\Delta h}$ در این معادله u و $W(u)$ بدون بعد هستند و $u = \frac{r^2 S}{4Tt}$

است و S : متغیر صحرایی و $W(u)$ متغیر تئوریک، $\frac{Q}{4\pi T}$: مقدار ثابت است.

شرایط معادله تایس:

- ۱- لایه آبدار همگن و همسو و تا بی نهایت ادامه داشته باشد.
- ۲- چاه تا انتهای لایه آبدار فرو رفته باشد.
- ۳- شیب پیزومتری کم باشد و Q ثابت باشد.
- ۴- کاهش head باید به محض شروع پمپاژ در داخل لایه آبدار رخ دهد.
- ۵- حجم آب ذخیره شده در داخل چاه ناچیز ذخیره باشد، بطوریکه بتوان از ذخیره آب داخل چاه چشم پوشی کرد.

۶- راندمان چاه پمپاژ صد درصد باشد.

۷- جریان ورودی به چاه خطی باشد.

با پیشنهاد ژاکوب و کوپر فرمول در نهایت به این صورت در آمد.

$$S = \frac{2/25Tt_0}{r^2}, T = \frac{2/3Q}{4\pi\Delta h}, \Delta h = \frac{2/3Q}{4\pi T} \log \frac{2/25Tt_0}{r^2 S}$$

(t_0 : زمانی که مخروط افت به چاه پیزومتری رسیده است)، Δh : تغییرات افت

▪ منحنی افت - زمان بصورت لگاریتم یک خط مستقیم را تشکیل می‌دهد.



- در مورد لایه های آبدار آزاد در خلال پمپاژ با پایین رفتن سطح ایستابی مقدار T نیز همراه با t, r تغییر می کند، به علاوه مولفه قائم جریان نیز ممکن است در نزدیک چاه بزرگ شود.
- در صورتیکه مقدار افت Δh در مقایسه با ضخامت سفره کم باشد روش تیس و ژاکوپ را می توان برای سفره آزاد هم بکار برد.

- به منحنی افت si در مقابل $\frac{r^2}{t}$ منحنی پمپاژ گویند.

حل معادله تایس به روش Chow: در این روش نیاز به انطباق منحنی ها نیست از تابع چاه پارامترهایی حذف نشده.

در این روش مقادیر افت s در مقابل t بر روی یک دستگاه نیمه لگاریتمی رسم می شود.

$$S_A = \frac{Q}{4\pi T} W(u)_A$$

هدف از آزمایش پمپاژ:

۱- تعیین خواص هیدرولیکی سفره مثل K, S, T

۲- تعیین نوع سفره و طبیعت آن (آزاد، تحت فشار یا نشتی بودن آن) و شرایط داخل سفره مثل مرزها و...

- از روی داده های حاصل از آزمایش پمپاژ چاه، می توان نوع پمپ، موقعیت پمپ، ارزش دراز مدت پمپاژ، نیاز برای توسعه بیشتر چاه و چگونگی طراحی و لوله گذاری چاه را می توان تعیین کرد.
- افت در چاه پمپاژ بر اثر ۲ عامل مهم: ۱- افت بر اثر برداشت یا بهره برداری از سفره و ۲- بر اثر جریان متلاطم به چاه ایجاد می شود.

- افت کلی در چاه را می توان از فرمول $S = BQ + CQ^n$ که در این فرمول S : افت کلی چاه و Q : مقدار برداشت از چاه است B, C مقادیر ثابت هستند که بستگی به نوع چاه و مساحت چاه دارند.
- BQ : افت سفره، CQ^n : افت چاه (بر اثر عبور آب از شبکه های لوله جدار) هستند.
- در یک چاه ایده آل با راندمان صد درصد مقدار C برابر صفر است و در نتیجه افت چاه نداریم.



داده‌های حاصل از چاه پمپاژ:

۱- زمان - افت (از اندازه‌گیری افت سطح آب در چاه با گذشت زمان به دست می‌آید)

۲- فاصله - افت (از اندازه‌گیری افت سطح آب در چاه‌های آزمایش و چاه پمپاژ به دست می‌آید)

شرایط چاه مشاهده‌ای:

۱- چاه مشاهده‌ای نباید فقط در یک طرف چاه قرار گیرد. ۲- فاصله این چاه‌ها از چاه پمپاژ نباید یکسان باشد

۳- محل چاه مشاهده‌ای بایستی از لحاظ هیدرولوژی محل وزمین‌شناسی محل ارزیابی می‌گردد.

در آزمایش پمپاژ اولین برداشت‌ها با زمان کم صورت می‌گیرد چون افت زیاد است ولی با گذشت زمان و با کم شدن افت فاصله زمانی زیاد می‌شود.

جریان غیر دائمی در سفره نشتی:

- وقتی از سفره نشتی پمپاژ صورت گیرد آب هم از سفره و هم از بخش اشباع لایه نیمه نفوذپذیر بالایی برداشت می‌شود.
- پایین آمدن سطح پیزومتریک در اثر پمپاژ، یک شیب هیدرولیکی در الکتیرد بوجود می‌آورد در نتیجه حرکت عمودی آب زیرزمینی به طرف سفره ایجاد می‌شود و مقدار آبی که به سمت پایین حرکت می‌کند متناسب با اختلاف سطح آب در سفره آزاد و پیزومتریک در سفره تحت فشار است.
- زمانی که مقدار تخلیه از طریق پمپاژ برابر با مقدار تغذیه از جریان عمودی به سفره است حالت تعادل بوجود خواهد آمد.
- پایین آمدن سطح پیزومتریک به زبان فرمول:

$$S = \frac{Q}{4\pi T} W\left(u, r/L\right)$$

L: فاکتور Leakage، T ضریب قابلیت نفوذپذیری سفره b: ضخامت اکی ترد k: هدایت هیدرولیکی عمودی اکتیرد.



$$\frac{r}{L} = -\frac{r}{\sqrt{\frac{T}{k'b'}}} \Rightarrow L = \sqrt{K.b.\frac{b'}{k'}}$$

جریان به چاه:

۱- جریان به چاه در نزدیکی مرزهای سفره: در این حالت از تصویر استفاده می شود.

تصویر: عبارتست از چاه یا رودخانه ای مجازی که از نظر هیدرولیکی تأثیری مشابه یک مرز فیزیکی معلوم روی سیستم جریان داشته باشد با این روش می توان سفره ای با گسترش محدود را به سفره ای با گسترش نامحدود تبدیل کرد.

۲- جریان به چاه در نزدیکی یک رودخانه:

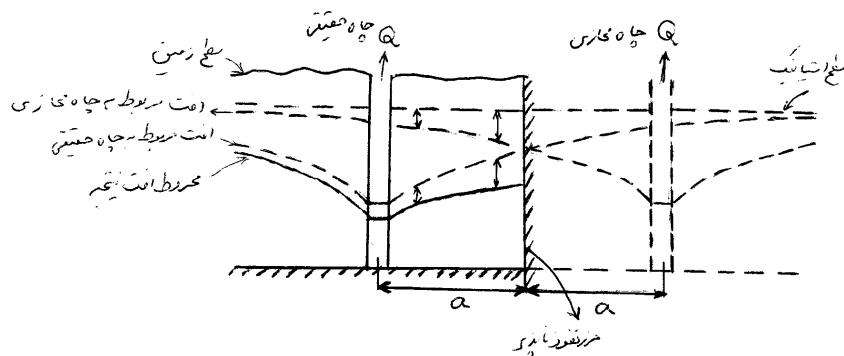
چاه مجازی که در این حالت در نظر گرفته می شود، همزمان با چاه حقیقی و با همان دبی سفره را تغذیه می کند و بنابراین باعث بالا آمدن سطح ایستابی آب در اطراف چاه می شود و این بالا آمدن سطح ایستابی در امتداد رودخانه راجع به آن می کند.

▪ برآیند افت نامتقارن در اطراف چاه حقیقی در هر نقطه برابر جمع جبری «افت» چاه حقیقی و برآمدگی چاه تغذیه مجازی می باشد.

$$S = CQ^n + h$$

۳- جریان در نزدیک لایه های نفوذناپذیر: در اینجا نیز بجای مرزهای واقعی یک سیستم هیدرولیکی معادل آنرا جانشین می کنیم. از معادلاتی که تنها برای سفره های نامحدود بکار می رود استفاده می کنیم.

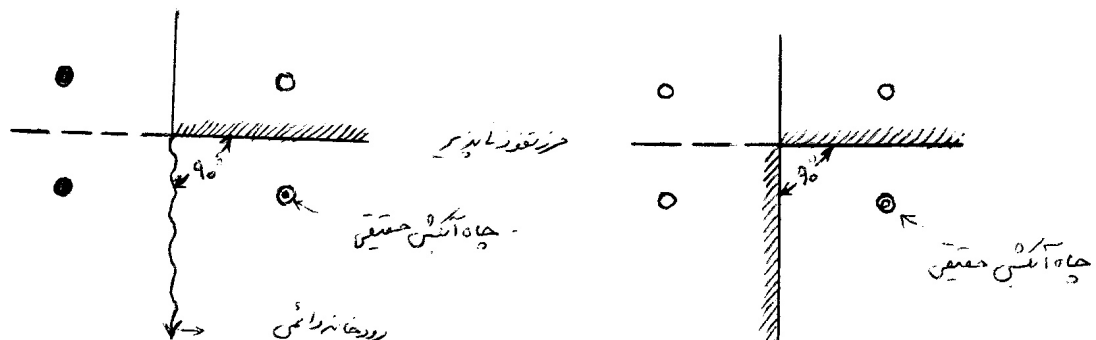
▪ در این حالت یک چاه مجازی را در طرف دیگر مرز با فاصله ای برابر با چاه حقیقی تا مرز در نظر می گیریم در این صورت چون در امتداد مرز نفوذ ناپذیر چاه ها اثر یکدیگر را خنثی می کنند، لذا هیچ جریانی از مرز عبور نمی کند.



- اگر مرز غیر قابل نفوذ باشد، عملکرد چاه مجازی دقیقاً مانند چاه اصلی است و اگر مرز آبی (رودخانه) داشته باشیم عملکرد چاه مجازی عکس چاه اصلی است.

▪ تعداد چاه مجازی از فرمول $Ni = \frac{360}{\alpha} - 1$ بدست می آید

(α : زاویه بین مرزهاست)



(در این شکل دوایر توخالی: چاه آبکشی مجازی و دوایر توپر چاههای تغذیه مجازی را نشان می دهد).

سیستم چند چاهی:

- مقدار افت در هر نقطه از منطقه برابر با مجموع افتهای مربوط به هر کدام از چاهها به تنهایی است.

$$St = Sa + Sb + Sc + \dots + Sn$$

St: افت کل و sn: مقادیر افتهای توسط چاهها

تعداد چاهها و وضع قرار گرفتن آنها در تعیین افت دخالت دارد.

افت کل در سفره تحت فشار برابر است با:



$$Dw = h_0 - h_w = \sum_i^n \frac{Q_i}{2\pi T} \ln \frac{R_i}{r_i} + CQ^n$$

افت کل در سفره آزاد:

$$h_0 - h_w = \sum_i^n \frac{Q_i}{2\pi T} \lim_{r_i}$$

Ri: شعاع تأثیر چاه

$$Dw = BQ + CQ^n \quad \text{فرمول در نهایت به صورت}$$

- افت شبکه را می توان با به حداقل رساندن سرعت ورود آب به چاه به حداقل کاهش داد.
- وقتی شعاع زیاد شود، در صورت ثابت بودن دبی سرعت ورودی آب کم شده و افت حاصل از اصطکاک کاهش می یابد.
- در دبی های نسبتاً کم افت شبکه ناچیز و قابل اغماض است؛ هر چقدر دبی بهره برداری بیشتر شود مولفه CQ^n بیشتر می شود.
- فاکتور دبی / افت چاه = دبی ویژه یا ظرفیت ویژه است و معیاری است که موثر بودن یا استعداد آبدهی چاه را نشان می دهد؛ و همچنین نشان می دهد که ظرفیت ویژه چاه مقدار ثابتی نیست و با افزایش Q دبی، کاسته می شود.
- ساختمان مناسب چاه، لوله گذاری مناسب، شستشو و توسعه چاه، ایجاد صافی شنی، انتخاب درست اسکرین و لوله های مشبک، درصد لازم شبکه های لوله و شعاع کافی چاه در به حداقل رساندن افت شبکه موثر است.
- آزمایش برگشت: در آخر آزمایش پمپاژ پس از قطع پمپاژ سطح آب در چاه اصلی و مشاهده ای شروع به بالا آمدن می کند که به آن برگشت یا جبران می گویند.
- اگر طی دوره برگشت مقدار افت از سطح اولیه آب اندازه گیری شود آنرا افت باقیمانده می گویند.



- با آزمون برگشت می توان مقدار T را که قبلاً در آزمون پمپاژ به دست آمده کنترل کرد ولی در این روش

مقدار S قابل اندازه گیری نیست.

$$S' = \frac{2/3Q}{4\pi T} \log \frac{t}{t'}$$

افت باقی مانده

- t: زمان از شروع پمپاژ، t': زمان پس از خاموش کردن پمپ
- به طور کلی اگر مقدار افت نسبت به ضخامت اشباع شده سفره کم باشد تخمین خوبی از خواص هیدرولیکی سفره امکان پذیر است.
- بر اساس داده های پمپاژ با کاهش بار در سفر آزاد، زهکشی آب توسط نیروی ثقل از منطقه غیراشباع باعث تغییر در کاهش بار می شود که بنام «تأخیر در تخلیه» نامیده می شود.
- مینیمم زمان لازم پمپاژ برای بدست آوردن s دقیق در سفره آزاد بستگی به ضریب قابلیت انتقال سفره دارد.

مرحله بهره برداری یا مدیریت:

الف (بهره برداری در حد ماینینگ: اگر مقدار استخراج آب زیرزمینی از مقدار تغذیه آن در یک حوضه آب زیرزمینی بیشتر باشد استفاده از آب ماندگار انجام خواهد یافت. اگر چنین بهره برداری محدود نشود، مقدار ذخیره سفره تمام خواهد شد.

ب (بهره برداری همیشگی: مقدار آبی که می توان بطور همیشگی تحت یک شرایط ویژه و بدون ایجاد نتایج نامطلوب از یک حوضه آب زیرزمینی استخراج کرد.

نتایج نامطلوب عبارتست از:

- ۱- به طور فزاینده ای در مقدار آب کاهش ایجاد شود، ۲- در آن توسعه غیر اقتصادی پمپاژ ایجاد گردد، ۳- کیفیت آب زیرزمینی تنزل پیدا کند، ۴- با قوانین قبلی استفاده از آب زیرزمینی برخورد ایجاد شود.
 - ۵- با پایین آمدن آب زیرزمینی نشت یا سوبسیدانس در سفره ایجاد شود.
- برداشت بیش از حد از بهره برداری همیشگی را استخراج بیش از حد گویند.



ج) بهره‌برداری همیشگی متفاوت: عبارتست از پمپاژ در دو مقدار متفاوت؛ مقدار اولیه متجاوز از بهره‌برداری همیشگی است بنابراین سطح آب زیرزمینی افت خواهد کرد، هنگامیکه سطح آب زیرزمینی به سطح قبلاً معین شده‌ای رسید، مقدار پمپاژ ثانویه شروع می‌شود. تا اینکه تعادل میان تغذیه و تخلیه بوجود آید؛ میزان پمپاژ ثانویه کمتر از پمپاژ اولیه می‌باشد.

د) ماگزیمم بهره‌برداری همیشگی: عبارتست از بیشترین مقدار آب زیرزمینی که به طور دائم با بکاربردن کلیه متدهای امکان‌پذیر جهت تغذیه حوضه بتوان استخراج کرد.

▪ فاکتورهای حاکم بر بهره‌برداری دائمی عبارتند از:

- ۱- مقدار تغذیه حوضه
- ۲- نتایج نامطلوب ایجاد شده از پمپاژ زیاد
- ۳- افزایش هزینه پمپاژ یا بهره‌برداری
- مقدار استخراج همیشگی براساس تغییرات سطح آب متغیر است، وقتی سطح آب زیرزمینی پایین می‌رود مقدار جریان سطحی به حوضه بیشتر شده و مقدار جریان زیر سطحی به خارج از حوضه کاهش می‌یابد.

فصل پنجم: راههای بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی

- مهمترین روش بهره‌برداری آب از زیرزمین حفر چاه‌های آب است.
- ۱- چاه آب: حفره‌ای استوانه‌ای و معمولاً قائم که در زمین حفر می‌شود تا به لایه آبدار برخورد کند و آب زیرزمینی از منافذ و درز شکاف‌ها به درون چاه تراوش می‌کند.
- معمولاً چاه‌ها بر مبنای عمق و آبدهی تقسیم می‌شوند:
- الف) چاه کم عمق با ظرفیت کم ب) چاه نیمه عمق با ظرفیت متوسط ج) چاه عمیق با ظرفیت بالا
- عمق خاصی برای چاه‌های کم عمق و عمیق نمی‌توان در نظر گرفت چون به شرایط محل بستگی دارد.
- چاه‌های کم عمق توسط مقنی و چاه عمیق توسط دستگاه حفاری حفر می‌شود، چاهی که توسط مقنی حفر شود و بوسیله پمپ بهره‌برداری شود اصطلاحاً چاه نیمه عمیق نامیده می‌شود.



روش‌های حفر چاه عبارتست از: ۱- روش ضربه‌ای ۲- روش دورانی ۳- روش دورانی با گردش معکوس ۴- روش دورانی ضربه‌ای.

۱- روش ضربه‌ای: در این روش عمل حفر چاه با بلندنمودن و رهاکردن متوالی رشته‌ای از ابزار حفاری انجام می‌گیرد؛ ابتدا ضربات متوالی از ته چاه موجب خرد کردن سنگ‌ها و مواد رسوبی می‌شود و در مرحله بعد با گل‌کش مواد خرد شده را از چاه بیرون می‌آورند.

▪ خرد کردن و کندن زمین توسط دستگاه ضربه زن String انجام می‌گیرد.

ابزار حفاری از پایین به بالا شامل قسمت‌های زیر می‌باشد.

۱- مته حفاری مهم‌ترین قسمت ابزار حفاری است؛ از قطعه فلزی سخت و لبه تیز تشکیل شده و عمل خرد کردن سنگ‌ها و حفر چاه را انجام می‌دهد، مته به طول ۳-۱ متر ساخته می‌شود.

۲- بدنه یا ساقه حفاری: میله فولادی بلند و سنگینی که باعث افزایش وزن و طول ابزار حفاری و باعث حفر سریع و قائم چاه می‌شود.

۳- جار یا دنگ: از میله و یک استوانه که آزادانه و بطور کشویی حرکت می‌کنند و باعث عدم انتقال ضربه به کابل و در نتیجه استحکام کابل و دستگاه می‌شود و بیرون کشیدن مته از گل نیز به عهده جار یا دنگ است.

۴- گلویی دوار: اتصال ابزار حفاری به کابل را برقرار می‌کند و باعث گردش جزیی دستگاه می‌شود؛ گردش جزئی سر گوه‌ای و تیغه‌ای مته باعث حفر چاه بصورت استوانه‌ای می‌شود.

▪ کابل: حرکت دورانی موتور چاه کنی را به حرکت انتقالی تبدیل می‌کند و موجب بالا و پایین رفتن دستگاه ضربه زنی می‌شود.

▪ در حفاری ضربه‌ای قبل از رسیدن به سطح ایستابی بایستی آب در چاه اضافه شود.

▪ مخلوط آب و مواد کنده شده، حالت خمیری ایجاد می‌کند که سبب کاهش اصطکاک سر مته می‌شود.

▪ گل‌کش یک لوله استوانه‌ای است که دریچه‌ای در پایین و حلقه‌ای در بالا برای اتصال به کابل گل‌کش دارد.

▪ در چاه‌های عمیق حفر قائم چاه از اهمیت بالایی برخوردار است و اگر چاه قائم حفر نشود؛ قراردادن پمپ در چاه و کارکردن آن با مشکلاتی مواجه است.



- وقتی حفاری در سنگ‌های متراکم و پیوسته انجام می‌گیرد احتیاج به لوله‌گذاری در ضمن حفاری نیست اما در رسوبات نرم و سخت نشده برای جلوگیری از ریزش دیواره ضمن حفاری تا نزدیک محل، لوله‌گذاری انجام می‌شود.
- لوله‌گذاری‌ها با قطر بیشتر شروع و در انتها به قطر مورد نظر می‌رسد این را لوله‌گذاری تلسکوپی می‌نامند.
- حفاری ضربه‌ای برای حفر چاه در سنگ‌های متراکم و پیوسته کارایی بیشتری دارد.
- سرعت حفاری ضربه‌ای به نوع سنگ، وزن و قطر مته حفاری، جنس و مشخصات سرمته، فاصله افتادن مته، تعداد ضربات مته در واحد زمان، فاصله زمانی خارج کردن گل و مراحل زمانی لوله‌گذاری بستگی دارد.
- با استفاده از نمونه‌هایی که در فواصل مختلف حفاری ضربه‌ای تهیه می‌شود می‌توان ستون زمین‌شناسی محل را تهیه کرد.
- در روش ضربه‌ای می‌توان تغییرات سطح تراز آب در چاه را در ضمن حفاری اندازه‌گیری کرد امکان نمونه برداری از لایه‌های آبدار و بررسی کیفیت آب زیرزمینی فراهم می‌شود.
- محاسن حفاری ضربه‌ای:
 - ۱- مکانیسم ساده ۲- صرفه اقتصادی ۳- شکل بیرون کشیدن لوله‌ها
- معایب حفاری ضربه‌ای:
 - ۱- محدودیت عمق حفاری ۲- سرعت کم حفاری ۳- مشکل بیرون کشیدن لوله‌ها
- روش حفاری دورانی:
 - سریع‌ترین روش حفاری در مواد ناپیوسته است.
 - در این روش سوزن حفاری در اثر حرکت موتور می‌چرخد که این چرخش باعث چرخش مته و در نتیجه خرد شدن و کنده شدن مواد می‌گردد و برای خارج کردن مواد کنده شده از گل حفاری استفاده می‌شود گل حفاری علاوه بر اینکار باعث خنک کردن سرمته، تسهیل عمل حفر و جلوگیری از ریزش دیواره چاه می‌شود.
 - در روش حفاری دورانی معکوس؛ جهت گردش گل حفاری بر عکس است.



- مشخصه مهم حفاری دورانی آن است که ضمن حفاری به ندرت ممکن است احتیاج به لوله گذاری داشته باشد؛ زیرا گل حفاری یک پوشش «گل اندود» در جدار چاه تشکیل می دهد و مانع از ریزش چاه می شود.
- ترکیب گل حفاری: معمولاً ماده اصلی آن یک نوع کانی رسی به نام بنتونیت است و بسته به شرایط مواد دیگری هم به آن اضافه می شود.
- سرعت حفاری دورانی به عواملی چون سختی سنگ، اندازه و نوع مته، سرعت چرخش مته، مجموع وزن روی مته، خواص گل حفاری، فشار گل در ته چاه و سرعت گردش گل حفاری بستگی دارد.
- برای این نوع حفاری در زمین های سخت و سنگی از مته مخروط سنگی و در سازندهای نرم از مته معمولی استفاده می شود.

مزایای حفاری دورانی:

- ۱- نیاز به نصب لوله جدار نیست ۲- سرعت بالا ۳- عدم نیاز به قطع حفاری برای خروج مواد کنده باشد ۴- امکان انجام عملیات چاه نگاری یا چاه پیمانی وجود دارد.

معایب حفاری دورانی:

- ۱- گرانی قیمت دستگاه و تجهیزات ۲- زمان زیاد برای برپایی تجهیزات ۳- نیروی بیشتر برای راه اندازی دستگاه ۴- نیاز به حفار ماهر و با تجربه.

روش حفاری دورانی - ضربه ای:

این روش جدید و ترکیب از ۲ روش ضربه ای و دورانی است؛ در این روش مته حفاری در حین چرخش؛ ضربه هم می زند. این روش در بعضی مواد مانند آهک ها و ندول چرت بسیار مفید است و در واقع در سازندهای سخت از آن استفاده می شود.

تکمیل و تجهیز چاه:

منظور از تکمیل و تجهیز چاه انجام عملیاتی که بتواند شرایط زیر را در چاه آب برقرار نماید:



۱- آب با کیفیت خوب و بدون آلودگی ۲- بیشترین آبدهی با مینیمم افت ۳- آبدهی بدون ماسه دهی ۴- بالا بردن عمر مفید چاه

اهم عملیاتی که در تکمیل چاه باید صورت گیرد:

۱- لوله گذاری در چاه: این عمل بدلیل جلوگیری از ریزش دیواره و افزایش استحکام چاه انجام می شود.

لوله گذاری در چاه شامل ۲ قسمت بدون منفذ Casing و لوله مشبک Screen می باشد.

بخش Casing بعنوان مکان مناسب برای پمپ و یک مجرای عبور عمودی برای جریان آب سفره به طرف بالا عمل می کند.

▪ در چاه های نزدیک سطح زمین علاوه بر Casing گذاری، اطراف آنها با سیمان (بتن) پوشیده می شود تا از ورود آبهای سطحی ممانعت و در مقابل خوردگی آبهای آلوده محافظت شود.

▪ قطر Casing: در انتخاب قطر مناسب ۲ نکته باید مد نظر قرار گیرد؛ ۱- قطر باید به نحوی باشد که سرعت آب به طرف بالا کمتر از ۱/۵ متر بر ثانیه باشد، ۲- قطر آن مناسب برای جا دادن پمپ باشد.

▪ اندازه پمپ مورد نیاز برای آبدهی مورد نظر، عامل کنترل کننده قطر Casing است.

▪ انواع لوله های مورد استفاده در چاه های آب: لوله استیل، ترموپلاستیک، فایبرگلاس، کانکریت، سیمان، آریست دار می باشد، در آبهای خورنده از ترموپلاستیک استفاده می شود.

▪ اسکرین معمولاً از یکسری سیم های فولادی ضد زنگ که دور میله های قائمی پیچیده شده و در محل تماس به آنها جوش داده شده است تشکیل می شود.

▪ لوله مشبک یا اسکرین بخاطر جلوگیری از نفوذ رسوبات همراه با آب به چاه و برای جلوگیری از ریزش مواد رسوبی به داخل چاه مورد استفاده قرار می گیرد.

▪ طول اسکرین: بر اساس ضخامت سفره، مقدار افت و طبیعت لایه های اکی فر تعیین می شود.

▪ اندازه منافذ اسکرین ها باید بر اساس دانه سنجی رسوبات لایه آبدار انتخاب شود.

▪ قسمت آگیر چاه یا اسکرین بایستی در انتهایی که بیشترین هدایت هیدرولیکی را دارا هستند قرار داده می شود.



▪ تکنیک‌هایی که لایه‌های با بیشترین هدایت هیدرولیکی را به کمک آنها می‌توان تعیین کرد عبارت از: ۱- تعبیر و تفسیر لاگ‌های حفاری ۲- بررسی و مقایسه نمونه‌های برداشته شده از لایه‌های مختلف. ضریب قابلیت انتقال هر لایه می‌تواند از درشتی دانه‌ها و عدم وجود سیلیس و رس و ضخامت لایه‌ها تخمین زده می‌شود ۳- آنالیز اندازه دانه‌های نمونه‌های برداشته شده از لایه‌های مختلف سفره و مقایسه منحنی اندازه دانه‌ها می‌تواند معرف مقدار هدایت هیدرولیکی نمونه‌ها گردد.

۴- تعیین هدایت هیدرولیکی نمونه‌ها از طریق متد آزمایشگاهی و اندازه‌گیری ضخامت مناطقی که جریان آب زیرزمینی انجام می‌گیرد. ۵- استفاده از تکنیک‌های ژئوفیزیکی (چاه‌پیمایی).

▪ در سفره آزاد طول اسکرین باعث ایجاد ۲ پدیده مهم می‌گردد:

۱- ظرفیت ویژه: نسبت مقدار تخلیه از چاه به افت است $\frac{Q}{S}$ هر چه مقدار آن بیشتر باشد نشان‌دهنده خوب تکمیل شدن چاه است.

۲- اسکرین کوتاه باعث افت بیشتر در چاه می‌شود؛ در سفره‌های آزاد هتروژن حداقل $\frac{1}{3}$ ضخامت کل سفره در قسمت پایین سفره و در سفره‌های تحت فشار هموزن و هتروژن بایستی ۸۰ تا ۹۰ درصد سفره اسکرین‌گذاری شود.

▪ قطر اسکرین: بر اساس مقدار آبدی مناسب چاه، ضخامت سفره و سرعت آب به چاه انتخاب می‌شود.

▪ برای کم کردن افت چاه و جلوگیری از گرفتگی شیارهای اسکرین مقدار سرعت آب ورودی به چاه بایستی در حد معینی محدود شده باشد.

▪ با افزایش مقدار هدایت هیدرولیکی سفره مقدار سرعت آب ورودی به چاه افزایش پیدا می‌کند.

▪ اندازه منافذ اسکرین را بر حسب اینکه آب خاصیت‌خوردگی داشته باشد یا نه می‌توان برابر d50 یا d60 رسوبات اختیار کرد، اگر لایه آبدار متشکل از ماسه دانه درشت و گراول باشد، اندازه منافذ، d50 یا d70 بخش ماسه‌ای انتخاب می‌شود، برای لایه‌هایی که از رسوبات غیریکنواخت درست شده باشد برحسب اینکه رسوبات



لایه‌های فوقانی آن پایدار باشد یا نه اندازه منافذ اسکرین d70 یا d40 رسوبات اختیار می‌شود، اگر صافی شنی در چاه به کار رفته باشد؛ اندازه منافذ اسکرین باید به اندازه d10 صافی شنی باشد.

صافی شنی (گراوان پک): پس از لوله‌گذاری چاه معمولاً در اطراف قسمت‌های مشبک قشری از گراول ایجاد می‌کنند، این عمل باعث افزایش قطر موثر چاه و نیز جلوگیری از ورود ذرات دانه ریز و خالی شدن پشت لوله مشبک و حفاظت از لوله جدار می‌شود، وجود CO_2 در لایه آبدار می‌تواند سبب رسوب کربنات کلسیم در پشت شبکه‌ها شده و نتیجتاً افت چاه زیاد می‌شود.

▪ بزرگ اختیار نمودن منافذ در لایه‌هایی که از رسوبات ریز تشکیل شده اولاً موجب کاهش افت شبکه می‌شود و ثانیاً عمل «پوسته‌گذاری» و گرفتگی سوراخ لوله کمتر خواهد شد.

چاهی که در رسوبات سخت نشده حفر شده و دارای صافی شنی مناسبی باشد معمولاً از چاهی با مشخصات یکسان که فاقد صافی شنی مناسبی باشند آبدهی بیشتری دارد. صافی شنی در لایه‌های آبداری که قطر موثر (d10) آنها کمتر از ۰/۲۵ میلیمتر و ضریب یکنواختی کمتر از ۳۰ می‌باشد، ضروری است.

▪ معمولاً اندازه دانه‌ها در صافی شنی طوری انتخاب می‌شود که d50 صافی ۵ برابر d50 مواد تشکیل دهنده لایه آبدار باشد. اگر لایه‌ها متفاوت باشند، در این صورت d50 باید بر مبنای ریزترین دانه‌ها محاسبه گردد.

توسعه چاه:

عبارتست از عملیاتی که طی آن ماسه و مواد دانه‌ریز دیگر شامل (گل حفاری) از لایه‌های مواد تشکیل دهنده لایه آبدار در اطراف چاه خارج شده و به داخل چاه حرکت می‌کند و سپس این ذرات توسط گل کش یا پمپ از چاه خارج می‌گردد و در واقع یک صافی شنی طبیعی ایجاد می‌شود.

- توسعه چاه باعث افزایش قطر موثر، آبدهی و عمر چاه می‌شود.
- هدف از توسعه چاه: ۱- اصلاح زیان‌ها و بهبود تخلخل ۲- خارج نمودن ذرات طبیعی و افزایش نفوذپذیری.
- اساس روش‌های توسعه چاه بر حرکت متناوب آب از چاه به سفره و از سفره به چاه است که در نتیجه آن ذرات ریزتر از لایه‌های ذرات درشت‌تر آزاد می‌شود.



روش های توسعه چاه:

۱- پمپاژ متناوب با استفاده از یک پمپ: در این روش دور پمپ و دبی خروجی در چاه متناوباً زیاد می شود، نهایتاً یک منطقه با نفوذپذیری بالا در حاشیه چاه ایجاد شده است.

این روش یکی از معمول ترین روش ها برای توسعه چاه و بنام آزمایش «افت پله ای» معروف است.

۲- استفاده از سنبه زنی: در این روش یک گل کش سنگین یا ابزار ویژه پنبه زنی مرتباً در داخل چاه بالا و پایین می برد در نتیجه رسوبات دانه ریز از داخل لایه آبدار شسته شده، وارد چاه می شوند و سپس آنها را خارج می کنند، عملیات پنبه زنی، باید تا زمانی که دیگر ماسه یا گل وارد چاه نشود، ادامه پیدا کند.

انواع پمپ ها از نظر محل استقرار:

۱- پمپ سرچاهی: بالای چاه قرار گرفته و آب قبل از رسیدن به پمپ تحت تأثیر مکش کشیده می شود. این پمپ برای مناطق کم عمق کاربرد دارد.

۲- پمپ توربینی: خود پمپ در داخل چاه و موتور آن در بالای چاه قرار می گیرد، این پمپ ها برای مناطق کم عمق و نیز محدوده بین کم عمق کاربرد دارد و نیز محدوده بین کم عمق و عمیق (متوسط) نیز مورد استفاده قرار می گیرد.

۳- پمپ های شناور: این پمپ ها مانند پمپ های توربینی هستند با این تفاوت که در این پمپ ها اصطکاک ناشی از شفت وجود ندارد لذا راندمان آنها بالاتر است.

▪ پمپ های پروانه ای رایج ترین نوع پمپ مورد استفاده در چاه های آب است.

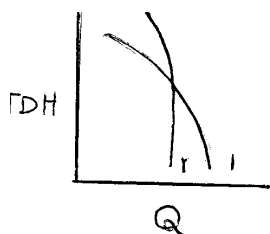
▪ برای تعیین قدرت موتور و انتخاب پمپ باید ارتفاع کل دینامیک (TDH) را تعیین کرد. محاسبه آن از طریق این فرمول انجام می گیرد.

$$TDH = \frac{V^2}{2g} + h_s + s + h_l$$

h_s: فاصله عمودی بین سطح ایستابی قبل از پمپاژ و خروج آب، s: افت سطح آب زیر زمینی است.



- در پمپ‌های پروانه‌ای اگر سرعت پمپ ثابت باشد مقدار Q با افزایش TDH کاهش می‌یابد به همین جهت این پمپ‌ها را پمپ‌های با دبی متغیر می‌گویند.
- رابطه بین Q و TDH مشخصه پمپ نامیده می‌شود.
- منحنی پمپ (pcc): این منحنی با عبور دادن Q های مختلف از پمپ و اندازه‌گیری ارتفاعی که آب بالا می‌رود رسم می‌شود.
- هر چه Q عبوری از پمپ بیشتر باشد «هد» ایجاد شده توسط پمپ کمتر می‌شود.
- در پمپ‌هایی که به طور سری بسته شده‌اند Q ثابت و افت بار زیاد است.
- هر چه شیب منحنی مشخصه بیشتر باشد؛ کارایی بیشتر است؛ در شکل منحنی شماره ۲ بهتر از ۱ است.



- قدرت یا توانایی که برای به کار انداختن یک پمپ برای مقادیر Q و TDH لازم است «توان روی محور» bhp خوانده می‌شود که از توان مفید کمتر است.
- توان مفید را بر حسب مقدر آبی که در واحد زمان به ارتفاع معین بالا برده می‌شود بیان می‌کند (Whp) و مقدار آن بر حسب اسب بخار عبارتست از
$$whp = \frac{Q \times TDH}{0.75 \times 86400}$$
- به علت اصطکاک و افت انرژی در داخل پمپ whp همواره کمتر از bhp است و نسبت این دو را بازده یا راندمان پمپ E_p می‌نامند.

$$E_p = \frac{Whp}{bhp}$$

- آزمون آبدهی چاه‌ها: بعد از تکمیل چاه، بایستی آنرا از نظر آبدهی و میزان افت مورد آزمایش قرار داد.



- با برداشت آب از چاه، تراز آب پایین می‌رود و با افزایش گرادیان هیدرولیک سرعت جریان آب زیاد می‌شود و در مواردی ایجاد جریان متلاطم می‌کند. این تلاطم از یک طرف میزان آب ورودی را محدود می‌کند و از طرف دیگر حرکت ذرات دانه‌ریز باعث مسدود شدن روزنه‌های لوله می‌شود و سرعت جریان در اطراف چاه به «سرعت بحرانی» می‌رسد.
- برای باز شدن منافذ پلی فسفات به آب اضافه می‌کنند.
- میزان آبدهی را به ازاء رسیدن به سرعت دبی بحرانی یا دبی حداکثر می‌گویند.
- برای محاسبه عملی دبی بحرانی از نتایج آزمایش «افت پله‌ای» استفاده می‌شود.
- با آزمون افت پله‌ای؛ بهره‌برداری بهینه از چاه و حداکثر افت ایجاد شده به ازای آن مشخص می‌گردد.
- در آزمون افت پله‌ای: چاه با دبی معین پمپاژ می‌شود و این عمل آنقدر ادامه می‌یابد تا سطح آب در چاه ثابت بماند و سپس منحنی تغییرات دبی به افت کلی رسم می‌شود.
- برای تعیین دبی بحرانی باید به شکل منحنی دقت کرد؛ برای دبی‌های کمتر از دبی بحرانی نقاط پیاده شده تقریباً در امتداد یک خط است، در نتیجه قسمتی که روی یک خط قرار نمی‌گیرد، مشخص کننده دبی بحرانی است.
- برای اندازه‌گیری دبی آب چاه‌ها از وسیله‌ای به نام «آریفیس» استفاده می‌شود.
- مقدار دبی از فرمول $Q = KA\sqrt{2gh}$ نیز به دست می‌آید که در فرمول Q دبی، A سطح مقطع آریفیس، g شتاب گرانی، h افت فشار، k ضریبی که به مشخصات آریفیس بستگی دارد.
- با اندازه‌گیری مقدار پرش یا فوران آب چاه‌ها به طور غیرمستقیم می‌توان دبی چاه‌ها را بر آورد نمود و برای اینکار از وسیله‌ای به نام خط‌کش جت استفاده می‌شود.
- در آزمون‌های پمپاژ علاوه بر تعیین دبی و افت، ضرائب هیدرودینامیکی نیز تعیین می‌شود.

قنات:

- قنات یا کاریز عبارتست از یک مجرای زیرزمینی با شیب کم همراه با تعدادی چاه قائم به نام میله.



- قنات در سازندهای آلوویال در رسوبات آبرفتی بخصوص مخروط افکنه‌ها در سفره‌هایی با شیب متوسط جهت توسعه و آبرسانی احداث می‌شود.
- هر قنات شامل ۲ بخش: تره و خشکه کار است؛ در قسمت تره کار یا کف، مجرای قنات در زیر سطح ایستابی قرار دارد و بخش آبدۀ قنات را تشکیل می‌دهد و باعث زهکشی و حرکت آب به سوی مظهر قنات می‌شود.
- خشکه کار: بخشی از مجرای قنات است از محل تقاطع مجرا با سطح ایستابی تا مظهر قنات ادامه دارد و بالاتر از سطح ایستابی است.
- تونلی که از مظهر تا سطح آب ادامه می‌یابد قادر است با نیروی ثقل آب زیرزمینی را از سفره به مظهر قنات عبور دهد.
- در مسیر قنات چاه‌های قائم یا میله‌هایی وجود دارد که به منظور خارج کردن خاک‌های کنده شده حین حفر و رساندن هوا به مقنی‌ها و همچنین به منظور هدایت مسیر قنات از سطح زمین، رفت و آمد مقنی و لای روبی قنات است.
- آخرین میله‌ای که عمیق‌ترین آنهاست؛ مادر چاه نامیده می‌شود که بیش از همه زیر سطح ایستابی قرار دارد.
- آبدۀ قنات‌ها به عوامل مختلفی چون جنس زمین، میزان تغذیه و برداشت سطح ایستابی، طول و ساختمان قنات بستگی دارد.
- حریم قنات نیز مانند چاه‌های پمپاژ می‌باشد و بستگی به خواص سفره بخصوص به ضریب انتقال T سفره بستگی دارد.
- از مزیت‌های قنات آبدۀ آن است و در مناطقی که چاه‌ها آبدۀ و T کمی دارند، سری قنات می‌تواند آبدۀ بالایی داشته باشد.
- طول قنات بستگی به توپوگرافی و زمین‌شناسی منطقه دارد؛ کمترین طول در مناطق کوهستانی و بیشترین آن در مناطق کویری و پست و همواره ایجاد می‌گردد.

چشمه:

- چشمه عبارتست از تخلیه متمرکز آب زیرزمینی که به صورت جریانی از آب در سطح زمین ظاهر می‌شود.



- چشمه‌ها براساس چگونگی تشکیل به ۲ دسته تقسیم می‌شوند.

۱- چشمه‌هایی که علت ایجادشان نیروی گرانشی است؛ مانند چشمه‌های آتشفشانی و شکافی.

۲- چشمه‌هایی که جریان آب آنها در اثر نیروی گرانش زمین و خروج آب تحت اثر فشار هیدروستاتیک است. به علل گوناگونی تشکیل می‌شود؛ مثلاً: قطع شدن سطح ایستابی به وسیله زمین، وجود مجاری در گدازه‌های متخلخل یا مجاری انحلالی در سنگ‌های آهکی.

- چشمه‌ها را بر اساس تغییرات دبی تقسیم‌بندی می‌کنند:

۱- چشمه‌های دائمی: دائماً آبدارند و شامل چشمه‌های ثابت (تغییرات دبی کمتر از ۲۵ درصد) و چشمه‌های تقریباً متغیر (تغییرات دبی بین ۱۰۰-۲۵ درصد) است.

۲- چشمه‌های متناوب: مدتی آبدارند و مدتی خشک‌اند.

عوامل موثر در تغییرات سطح آب زیرزمینی

- هر پدیده‌ای که باعث بوجود آمدن تغییر در فشار آب زیرزمینی گردد؛ موجب تغییر در سطح آب زیرزمینی خواهد شد؛ این عوامل عبارتست از:

۱- تغییرات سطح در دراز مدت: دوره‌هایی از سال‌های خشک و مرطوب می‌تواند نوسانات درازمدت آب زیر زمینی را بوجود آورد.

۲- تغییرات فصلی: متأثر از بارش است، پمپاژ برای مصارف کشاورزی فصلی است.

- بالاترین سطح آب معمولاً در بهار و پایین‌ترین آن در زمستان اتفاق می‌افتد.

- شدت و ضعف نوسانات بستگی به مقدار تغذیه، پمپاژ و نوع سفره دارد که معمولاً در سفره تحت فشار بیش از سفره آزاد می‌باشد.

۳- جریان رودخانه: جائیکه رودخانه یا کانال در برخورد مستقیم با سفره آزاد است. ممکن است رودخانه را تغذیه یا تخلیه کند.

- رودخانه‌ای که آب زیرزمینی از آن تغذیه می‌کند بنام «رودخانه گم شده» نامیده می‌شود.



۴- ذخیره کنار رودخانه: حجم آبی که بعد از سیلاب یا در نتیجه نفوذ یا زهکشی آب از نزدیک رودخانه اتفاق می افتد بنام ذخیره ساحلی رودخانه نامیده می شود.

۵- تبخیر و تعرق: مقدار آن بستگی به درجه حرارت، نزدیکی آب زیرزمینی به سطح زمین و ساختمان خاک دارد.

۶- پدیده های متئورولوژیکی: شامل فشار اتمسفر، بارش، وزش باد شدید، ایجاد خلا در چاه می کند و فشار را کم و سطح آب را بالا می آورد.

۷- جزر و مد: در مناطقی ساحلی نوسانات سینوسی در اثر جزر و مد در سطح آبهای زیرزمینی مرتبط با دریا صورت می گیرد.

۸- زلزله: تغییرات ناگهانی سطح آب زیرزمینی، تغییرات در تخلیه چشمه ها، ظهور چشمه جدید و ... این نوسانات از انقباض و انبساط مواد الاستیک بوسیله امواج زلزله در سفره تحت فشار بوجود می آید.

۹- افزایش بار در منطقه: خواص الاستیک یک سفره تحت فشار موجب تغییر در فشار هیدروستاتیک آن می شود.

اثرات نامطلوب نوسانات آب زیرزمینی (پایین آمدن)

۱- خشک شدن آب قنات ها و چشمه ها و غیر اقتصادی شدن پمپاژ

۲- پیشروی آب شور در سفره آب زیرزمینی

۳- نشست زمین

اثرات نامطلوب نوسانات آب زیرزمینی (بالا آمدن)

۱- شور شون آبهای کشاورزی

۲- از بین رفتن ساختمان خاک کشاورزی

۳- آسیب رساندن به سازه ها

فصل ششم کیفیت آب زیرزمینی



- مشخصات کیفی زیرزمینی نتیجه کلیه فرآیند و واکنش‌هایی که از زمان تشکیل و تراکم آب در اتمسفر تا زمانی که توسط چاه، قنات یا چشمه از زیرزمین خارج می‌شوند و بر روی آن عمل کرده است.
- منابع شوری آب:
- میزان موادی که با عبور از لایه‌های مختلف وارد آب می‌شوند به ۲ عامل بستگی دارد: ۱) طول مسیری که آب پیچیده است (هر چه بیشتر باشد، زمان تماس با مواد بیشتر و املاح بیشتر است).
- ۲) جنس تشکیلاتی که آب از داخل یا روی آنها عبور کرده است.
- به طور کلی شوری یا مقدار نمک‌ها از محل تغذیه به طرف محل تخلیه بتدریج افزوده می‌شود.
- آب‌هایی که از تشکیلات تبخیری (سازندهای گچی، مارنی و گندهای نمکی) عبور می‌کنند باعث حل شدن مقدار زیادی مواد (حل) شده و نهایتاً کیفیت خود را از دست می‌دهند.
- غلظت نمک در آب‌هایی که از منطقه ریشه گیاه عبور می‌کنند بر اثر تبخیر و تعرق معمولاً چندین برابر آبی است که برای آبیاری بکار رفته است.
- آب‌های زیرزمینی موجود در سنگ‌های آذرین «گرانیت‌ها و بازالت‌ها و توف‌ها» و دگرگونی (گنیس) عموماً املاح کم و کیفیت خوبی دارند.
- در سنگ‌های آتشفشانی عموماً نسبت HCO_3^- بالا است.
- ماسه‌سنگ‌ها، کنگلومراها و سنگ‌های آهکی غالباً حاوی آب‌هایی با کیفیت خوب هستند، اما سنگ‌های تبخیری موجب بالا بردن شوری آب می‌شوند.
- رس و سیلیت دانه‌ریز می‌توانند کاتیون‌ها را جذب کنند و در اثر جانشینی بوسیله کاتیون‌های دیگر خاصیت تبادل کاتیونی نشان می‌دهد؛ تبادل در جهتی صورت می‌گیرد که تعادلی بین کاتیون‌های موجود در آب و ذرات دانه ریز لایه آبدار برقرار شود.
- وقتی آب با سدیم زیاد به زمین داده شود؛ نفوذپذیری کاهش می‌یابد و در اثر افزایش کلسیم تغییر در جهت عکس اتفاق می‌افتد و نفوذپذیری خاک را بهبود می‌بخشد.



- وقتی سدیم آب با کلسیم سازند جانشین می شود، تعویض یونی معکوس رخ می دهد. آب موجود در دره های آبرفتی معمولاً دارای آبهای زیرزمینی با شوری نسبتاً کم هستند و حاوی یون های $Ca^{+2}, Mg^{+2}, Na^{+}, HCO_3^{-2}, SO_4^{-2}, Cl^{-}$ هستند.

خصوصیات شیمیایی آبهای زیر زمینی:

- بررسی این خصوصیات از طریق: ۱- غلظت کلیه مواد معدنی موجود ۲- اندازه گیری PH ۳- اندازه گیری هدایت الکتریکی ویژه آب و باقی مانده خشک انجام می گیرد.
- واحد اندازه گیری مقدار مواد محلول:
- مقدار مواد محلول در آب زیرزمینی را به میلیگرم در لیتر $\frac{Mg}{lit}$ و میلی اکی والان در لیتر $\frac{Meq}{Lit}$ یا PPM بیان می شود.
- در غلظت های کم که چگالی نسبی آب تقریباً یک است؛ میلیگرم در لیتر و میلی اکی والان در لیتر از نظر عددی تقریباً یکسان است ولی اگر غلظت املاح دو محلول خیلی زیاد باشد؛ مقادیر عددی این دو با یکدیگر تفاوت قابل ملاحظه ای خواهد داشت؛ بطوریکه همیشه $\frac{Mg}{lit}$ از PPM بیشتر می شود.
- چگالی آب / $PPM = mg/lit$
- در اکثر آبهای سطحی و زیرزمینی بدلیل غلظت کم املاح این دو هم در نظر گرفته می شوند.
- برای تبدیل میلیگرم بر لیتر به میلی اکی والان بر لیتر کافی است مقدار میلیگرم بر لیتر از یون مورد نظر را در ظرفیت یون ضرب کرده و بر وزن اتمی آن تقسیم کنیم.

$$\frac{\frac{mg}{lit} \times \text{ظرفیت یون}}{\text{وزن اتمی}} = \frac{meq}{lit}$$

- یک میلی اکی والان گرم از یک یون عبارتست از وزن اتمی آن تقسیم بر ظرفیت یون.



- در غلظت کم املاح همچنين می توان گفت که یک $\frac{Meq}{Lit}$ معادل یک epm است؛ اگر غلظت یک یون بر حسب ppm را به وزن اکی والان آن یون تقسیم کنیم epm آن به دست می آید.

$$\frac{Ppm}{\text{وزن اکی والان}} = epm$$

بالانس یون ها:

- نمونه آب از نظر الکتریکی خنثی بوده و بار کلی آنیون ها و کاتیون ها بایستی مساوی باشد.
- خطای بالانس یون ها معمولاً با تقسیم اختلاف آنها بر کل کاتیون و آنیون ها بصورت درصد بیان می شود.

$$\text{درصد خطای نسبی} = \frac{\sum \text{کاتیون ها} - \sum \text{آنیون ها}}{\sum \text{کاتیون ها و آنیون ها}}$$

- این خطا بایستی کمتر از ۵ درصد باشد تا نتایج حاصله قابل تفسیر و تحلیل باشد.
- TDS یا کل مواد جامد محلول: مجموعه مواد جامدی که در آب حل شده اند ولی شامل رسوبات معلق، کلوئیدها و گازهای محلول نمی شود.
- باقی مانده خشک همراه با هدایت الکتریکی معرف مقدار کل مواد جامد محلول در آب است.
- هرچه غلظت نمک های محلول در آب بیشتر باشد؛ هدایت الکتریکی آب افزایش می یابد.
- به طور تجربی بین TDS و هدایت الکتریکی EC رابطه زیر برقرار است.

$$TDS = \left(\frac{0.65}{0.70} \right) EC$$

- هر چه غلظت نمک محلول در آب بیشتر باشد؛ هدایت الکتریکی بیشتر می شود.
- هدایت الکتریکی ویژه آب علاوه بر غلظت یون ها به دما و نوع یون ها نیز بستگی دارد.
- هدایت ویژه آبها به ترتیب از آب دریا، آب زیرزمینی معمولی به آب باران روند نزولی دارد.



- پتانسیل ردوکس؛ مقدار قابل درکی از طبیعت سازندهای واکنشی فلزی در محلول و همچنین تأثیر خوردگی آب زیرزمینی را نشان می‌دهد.
- سختی آب عبارتست از یونهای فلزی که با سدیم صابون واکنش می‌دهند و باعث بوجود آمدن صابون جامد می‌گردد.
- سختی را به صورت مجموع غلظت یونهای Mg^{+2}, Ca^{+2} به ppm یا میلیگرم در لیتر و بر حسب کربنات کلسیم معادل آنها بیان می‌کند.

$$TH = Ca^{+2} \times \frac{Caco_3}{Ca} + Mg^{+2} \frac{Caco_3}{Mg}$$

$$TH = Ca \times (2/5) + mg(4/1)$$

- آب با سختی بیش از $150 \frac{mg}{lit}$ را سخت و کمتر از $60 \frac{mg}{lit}$ را نرم گویند.
- سختی جزیی از املاح است اما املاح جزء سختی نیست.
- رسوب کربنات غیر قابل حل در طی دوره جوش مقداری از غلظت کاتیونهای دو ظرفیتی را کاهش می‌دهد و قسمتی از سختی آب را پایین می‌آورد به این سختی «سختی موقت» گویند.
- عوامل موثر در انحلال اکسیژن در آب عبارتند از: ۱- درجه حرارت ۲- فشار جزئی اکسیژن ۳- فشار هوا.
- اکسیژن محلول (Do) دوتریم از پارامترهایی است که برای مشخص کردن آلودگی یا عدم آلودگی آب بکار می‌رود؛ هرچه میزان اکسیژن محلول کمتر باشد؛ آب آلوده‌تر است.

قلیائیت:

- قلیائیت عبارتست از توانایی آب برای خنثی کردن اسید ناشی از یونهای کربنات و بی کربنات است و از جمع کردن اکی والانهای Hco_3^- , Co_3^{+2} به دست می‌آید و بر حسب میلیگرم در لیتر $Caco_3$ بیان می‌شود.



اسیدیته:

- اسیدیته عبارتست از توانایی آب برای واکنش با یون‌های هیدروکسیل و بر حسب میلی‌گرم در لیتر یون H^+ یا $CaCO_3, H_2SO_4$ معادل آن بیان می‌شود.

PH:

- به دلیل اینکه در PH های مختلف آب قدرت انحلالی متفاوتی خواهد داشت، اندازه‌گیری این پارامتر در محل نمونه‌برداری حائز اهمیت می‌باشد.

$$PH = \log \frac{1}{[H^+]} = -\log [H^+]$$

- یون‌ها بر اساس غلظت به ۳ دسته تقسیم می‌شوند:

۱- یون‌های اصلی یا (Major): یون‌هایی که غلظت آنها بیش از ۵ میلی‌گرم در لیتر باشد و در مقایسه با سایر

یون‌ها فراوانترند، شامل بی‌کربنات، کلسیم، کلرید، منیزیم، سیلیس، سدیم، اسید کربنیک.

- ۲- یون‌های فرعی یا (Minor): غلظتشان ۱-۱۰ میلی‌گرم در لیتر است و فراوانی کمتری دارند، شامل:

نیتрат، کربنات، آهن، فلوئور، بور، استرانسیم، پتاسیم.

- ۳- یون‌های کمیاب (Trace) در مقایسه با یون‌های فرعی فراوانی و غلظت کمتری دارند شامل: آلومینیم،

نیکل، آنتیموان، باریم و برم، سرب، لیتیم و ... است.

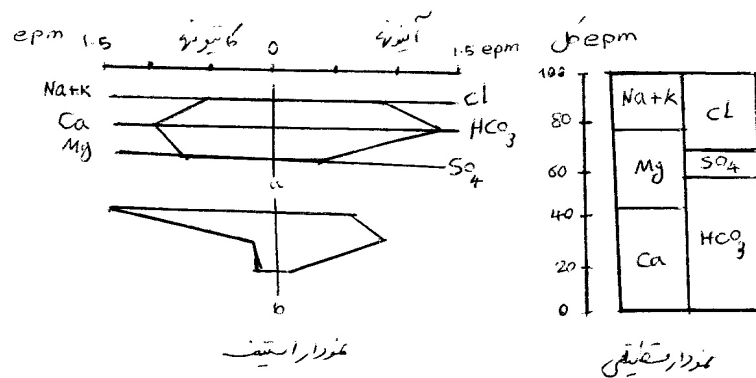
نقشه و نمودارهای شیمی آب:

- نقشه‌ها را معمولاً در فواصل زمانی معین تهیه می‌کنند تا تغییرات کیفی آب را در طول زمان نشان دهد و به آن ایزوکنداکتیویته می‌گویند.

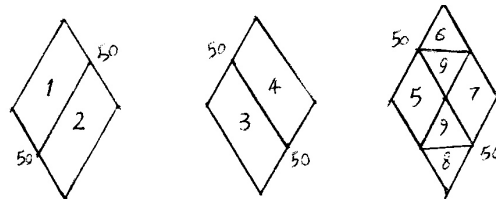
- در اغلب نمودارها آب زیرزمینی محلولی شامل سه جزء کاتیونی: کلسیم، منیزیم و فلزات (سدیم و پتاسیم) و

سه جزء آنیونی: سولفات، کلرید و بی‌کربنات، کربنات در نظر می‌گیرند.

- نمودار مستطیلی: در این نمودار ارتفاع ۲ ستون باید مساوی باشد.



- نمودار استیف: این نمودار از نظر مقایسه سریع تعدادی زیادی از نمونه‌ها بسیار مفید است.
- نمودار پی پر: برای یک نمونه بکار می‌رود؛ از نظر تعبیر و تفسیر نتایج تجزیه شیمیایی آبها بسیار سودمند است. با استفاده از این نمودار می‌توان تیپ، نوع و وضع شیمیایی آب را مشخص کرد و وسیله‌ای مفیدی برای نشان دادن تفاوت و شباهت بین آنهاست.
- زیر تقسیمات نمودار پی پر:



- در منطقه ۱: قلیایی‌های خاکی در منطقه ۲ قلیایی‌ها، در منطقه ۳ اسیدهای ضعیف، در منطقه ۴ اسیدهای قوی غالب هستند. در منطقه ۵ سختی کربناتی از ۵۰ درصد تجاوز می‌کند (قلیایی‌های خاکی و اسید ضعیف غلبه دارند).
- در منطقه ۶ سختی غیر کربناتی متجاوز از ۵۰ درصد است.
- در منطقه ۷ سختی غیر کربناتی بیش از ۵۰ درصد است (قلیایی و اسید قوی غلبه دارند).
- آب اقیانوس‌ها و آبهای خیلی شور در منطقه ۶ نزدیک راس سمت راست است.
- در منطقه ۸ آبهای قرار دارند که سختی آنها در مقایسه با مواد محلول خیلی کم باشد.
- در منطقه ۹ هیچ زوج آنیون - کاتیونی از ۵۰ درصد تجاوز نمی‌کند.



- نمودار لگاریتمی: از نظر سرعت عمل و سهولت مقایسه تعداد زیادی نمونه اهمیت دارد و در ایران بیشتر معمول است.

خصوصیات فیزیکی آبهای زیر زمینی:

- ۱- رنگ: بعثت حضور مواد معدنی یا آلی در آب است؛ آب آشامیدنی اساساً بایستی فاقد رنگ و زلال باشد.
- ۲- کدورت یا تور بیدیتی: معیاری است برای سنجش مواد معلق، کلوئیدی و جانداران میکروسکوپی در آب.
- ۳- دما: نوسانات فصلی دما در اعماق زیاد تاثیر چندانی ندارد و تحت تاثیر گرادیان حرارتی زمین نسبت به عمق افزایش می‌یابد. در آنومالی‌های ژئوترمالی که بیشتر با مناطق کوهزایی جوان و مرزهای ورقه سنگ کره و آتشفشان‌های فعال در ارتباط است؛ تغییرات دما سریعتر است.
- ۴- بو و مزه: نتیجه وجود باکتری‌ها و گازهای محلول و مواد معدنی است.

خصوصیات باکتریایی آب:

- رسوبات و سنگ‌های دانه درشت و شکافدار در مقابل آلودگی سطحی آسیب پذیرند.
 - چاه‌های آلوده بیشتر در سفره‌های مناطق آهکی دیده می‌شوند.
- خصوصیات باکتریایی آب به طور معمول با تعیین «کلی فرم» در آب انجام می‌شود.

معیارهای کیفیت آب:

- ۱- استاندارد آب آشامیدنی: بر اساس ۲ معیار عدم وجود طعم‌ها و یون‌های نامطبوع و همچنین رنگ و موادی با تأثیرات فیزیولوژیک زیان آور تعیین می‌شود.
 - ۲- استاندارد کشاورزی:
- الف (تأثیر مستقیم بر رشد گیاه: شامل تأثیر بر خاصیت اسمزی و کاهش آبگیری، تأثیر بر روی واکنش متابولیسمی گیاه از طریق یون‌هایی که در غلظت‌های بالا اثرات سمی پیدا می‌کنند مثل «بور».
- ب (تأثیر بر خاک: املاح موجود می‌توانند باعث تغییر خصوصیات فیزیکی و شیمیایی خاک شوند از قبیل بهم خوردن بافت خاک و کاهش نفوذپذیری خاک.



- به طور کلی خاک‌های رسی بیشترین مشکل را از نظر کیفیت آب ایجاد می‌کنند، چون زهکشی آنها ضعیف و امکان فروشویی نمک‌ها کم است.
- ۲ اثر مهم یون سدیم بر خاک عبارتند از:
 - ۱- کاهش نفوذپذیری ۲- سخت کردن خاک
- این اثرات ناشی از جانشینی یون کلسیم و منیزیم به وسیله یون سدیم است؛ میزان این جانشینی با «نسبت سدیم یا SAR» نمایش داده می‌شود.

$$SAR = \frac{Na}{\sqrt{\frac{Ca+mg}{2}}}$$

- مقدار بالای SAR باعث ضربه زدن به ساختمان خاک می‌شود برای تعیین مقدار سدیم بر حسب درصد از فرمول مقابل به دست می‌آید.

$$\%Na = \frac{(Na+K) \cdot 100}{Ca+mg+Na+k}$$

- نسبت کربنات سدیم باقی مانده با RSC نشان داده می‌شود.

$$RSC = \left(Co^{2-} + Hco^{2-} \right) - \left(Ca^{+2} + Mg^{+2} \right)$$

- برای RSC نسبت‌های زیر را داریم:
- اگر $RSC < 1/25$ باشد: خاک برای کشاورزی مناسب است.
- اگر $1/25 < RSC < 2/5$ باشد: خاک برای کشاورزی نسبتاً مناسب است (متوسط).
- اگر $RSC > 2/5$ باشد: خاک برای کشاورزی مناسب نیست.
- در خاک‌هایی که غلظت سدیم آنها بالاست (خاک‌های قلیایی و شور) رشد گیاه اندک است یا وجود ندارد.



- خاک شور خاکی است که کاتیون آن سدیم و آنیون آن کلروسولفات باشد؛ اما اگر نوع آنیون کربنات یا بی کربنات باشد به آن قلیایی می گویند.
- عملکرد پتاسیم k نیز مانند سدیم است اما میزان آن در آب خیلی کمتر از سدیم است و جزء یون های فرعی به شمار می رود.
- نمودار ویلکوکس براساس ۲ معیار (شوری) EC, SAR می باشد و بر اساس آن؛ آبی که جذب سدیم کم و شوری و هدایت کم دارد (C1S1) بهترین آب برای آبیاری است و آبی که جذب سدیم زیاد و شوری و هدایت زیاد دارد (C4S4) نامناسب ترین آب آبیاری است.
- ۳- استاندارد آب صنعتی:
- این معیار در صنایع گوناگون متفاوت است و به طور مثال عدم خاصیت خوردگی و پایین بودن غلظت کربنات کلسیم و دیگر موادی که موجب پوسته گذاری را می توان نام برد.

فصل ۷ تغذیه مصنوعی:

- وارد کردن آب به داخل یک سازند زمین شناسی را بوسیله متدها و تاسیسات مختلف تغذیه مصنوعی گویند.
- هدف های تغذیه مصنوعی:
- ۱- تغییر دادن کیفیت آب؛ تنظیم درجه حرارت و پالایش باکتری ها ۲- اضافه کردن یا ثابت نگه داشتن آب زیرزمینی به عنوان منبع اقتصادی ۳- به منظور تنظیم و یکنواخت کردن آب سطحی ۴- به منظور جلوگیری از نفوذ آب شور به آب شیرین ۵- جلوگیری از نشست زمین در اثر برداشت زیاد آب زیرزمینی ۶- استخراج انرژی بر اثر آب گرم (انرژی هیدروترمال).
- در مناطق خشک ذخیره آب زیرزمینی در لایه های آبدار اقتصادی تر از ذخیره در مخازن سطحی است.
- رژیم آب های سطحی موجود در منطقه و اختلاف بین رژیم منبع تغذیه و رژیم مورد تقاضا عامل مهمی که باید در رابطه، تغذیه مصنوعی در نظر گرفته شود.
- اگر بتوان نوسان سطح پیزومتری را پایین تر از سطح ایستایی نگه داشت ذخیره سازی بدون هیچ هدر رفتگی امکان پذیر خواهد بود.



- اگر ضخامت و نفوذپذیری از مقادیر بالایی برخوردار باشند می‌توان در تغذیه مصنوعی از بده‌های بالایی جهت تزریق استفاده کرد.
- ضریب ذخیره می‌تواند مقدار قابل تحرک آب بین دو سطح پیژومتری را در حالت بهره‌برداری یا تغذیه مشخص کند.

متدهای تغذیه مصنوعی:

- ۱- افزایش تراوش: در این روش زمان و سطح که رواناب سطحی به داخل زمین تراوش می‌کند؛ از طریق ایجاد بندهای کوچک سنگی و سیمی در بستر آبراهه افزایش می‌یابد از عوامل موثر در مقدار نفوذ، زمان و نوع خاک است.
- ۲- روش پخش سطحی (حوضچه ای) در این روش آب سطحی به طرف حوضچه رسوبگیر و سپس به طرف حوضچه تراوشی منحرف می‌شود.
 - از فواید مهم این متد: ذخیره آب و تصفیه آب است.
 - این روش فقط در صورتی که لایه از نوع آزاد باشد و لایه نفوذناپذیری بین حوضچه تراوش و سطح ایستایی وجود نداشته باشد بکار می‌رود.
 - میزان تراوش به نوع خاک و رسوبات سطحی بستگی دارد.
 - پس از مدتی بهره‌برداری با خشک کردن و لای‌روبی کف حوضچه می‌توان این روش را مجدداً به کار گرفت.
- ۳- متد چاه تغذیه: چاه تغذیه به چاهی گفته می‌شود که آبراه از سطح زمین به داخل سفره آب شیرین عبور می‌دهد؛ جریان آب در آن برخلاف جریان پمپاژ چاه است؛ چاه تغذیه‌ای در سفره‌های تحت فشار عمیق یا جاهایی که از نظر اقتصادی باصرفه است ایجاد می‌شود وقتی چاه تغذیه در سفره تحت فشار حفر شده باشد. مقدار تغذیه یا Q_r از فرمول فوق به دست می‌آید.

$$Q_r = \frac{2\pi T(h_w - h_o)}{\ln(r_o / r_w)}$$

و وقتی چاه در سفره آزاد حفر شده باشد:



$$Qr = \frac{\pi k \left(h^2_w - h^2 \right)}{\ln(r_0 / rw)}$$

- غالباً میزان دبی کمتر از دبی پمپاژ است، بدلیل وجود مواد ریز، گازهای محلول و وجود باکتری‌ها و ...
- شرایط استفاده از چاه تغذیه: ۱- تغذیه لایه‌های آبدار تحت فشار ۲- تغذیه لایه آبدار آزاد وقتی لایه نفوذ ناپذیر گسترده‌ای بین سطح و لایه آبدار باشد. ۳- وقتی زمین کافی در دسترس باشد. ۴- زمانی از که چاه‌های آبکشی موجود بتوان به عنوان چاه تغذیه استفاده کرد.
- تغذیه به وسیله قنات: در این روش آب در مجاری خشک شده قنات تزریق می‌شود.
- سیستم قنات خشک می‌تواند بهترین روش تغذیه مصنوعی آبهای زیر زمینی در مناطق خشک به ویژه حواشی کویرها باشد.
- تغذیه واداری: در این روش تأسیسات استخراج آب به صورت یک گالری یا رشته‌ای از چاه‌ها کم عمق در فاصله نسبتاً کم از یک رودخانه یا دریاچه و به موازات آن قرار داده می‌شود؛ پایین رفتن سطح ایستابی در اثر استخراج آب باعث واداشتن حرکات آب از رود به طرف سفره می‌شود این روش که در سازندهای متشکل از شن و ماسه سخت نشده نفوذپذیری که ارتباط هیدرولیکی بین رودخانه و سفره وجود دارد مفید است.
- در این روش بایستی سرعت جریان آب رودخانه آنقدر باشد که مانع رسوبگذاری ذرات (سیلت) شود؛ این روش باعث تغذیه و تصفیه آب می‌شود.
- متد سیلابی آب در منطقه وسیعی پخش شده و حرکت آب خیلی آرام و در نتیجه نفوذ در حد ماکزیمم خواهد بود و فرسایش خاک نیز کمترین حد را دارد.
- هزینه لازم برای متد سیلابی از سایر روش‌ها کمتر است.

فصل ۸: نفوذ آب شور به سفره‌های شیرین

- حرکت آبهای شور دریا به سفره‌های شیرین در مناطقی که بین ایندو پیوستگی وجود دارد، در اثر کاهش سطح آب زیرزمینی بخاطر پمپاژ و بهم خوردن تعادل هیدروستاتیک بوجود می‌آید.



▪ بین آب شیرین سفره ساحلی و آب شور دریا که به عنوان ۲ سیال مخلوط نشدنی در نظر گرفته می شود؛ یک سطح مشترک آب شیرین و شور وجود دارد منطقه باریکی که دو سیال عملاً در هم آمیخته اند و به آن منطقه پراکندگی می گویند مرز جدا کننده آب شیرین و شور است. منطقه پراکندگی بعلا تغییرات فصلی، سطح ایستابی، جزر و مد و انتشار مولکولی به وجود می آید.

▪ نفوذ آب شور به سفره شیرین به پارامترهایی از قبیل ضریب آبگذری، عمق لایه آبدار و نیز دبی آب شیرین بستگی دارد.

▪ معادله گیبین - هرزبرگ $hs = \frac{\rho_s}{\rho_s - \rho_f} hf$ به صورت ساده $hs = 4 \cdot hf$ (ارتفاع آب شور و hf)

ارتفاع آب شیرین) این رابطه نشان می دهد؛ هرگاه سطح آب شیرین یک متر پایین بیاید سبب بالا آمدن آب شور به میزان ۴۰ متر در ساحل می گردد.

▪ نظریه گیبین - هرزبرگ؛ بر اساس اختلاف چگالی است و عمق واقعی رانشان نمی دهد. در این نظریه سطوح تراوش در نظر گرفته نشده است.

▪ سطح مشترک بیشتر حالت دینامیکی دارد تا هیدروستاتیکی زیرا آب شیرین همیشه به طرف دریا حرکت می کند.

▪ اوزینسکی رابطه گیبین - هرز برگ را تعمیم داد $z = 4 \cdot (hf - hs)$

▪ اگر تعادل استاتیک برقرار باشد، شیب ایستایی صفر است و آب شیرین ساکن است؛ نتیجتاً مرز آب شیرین و شور افقی است.

▪ آب شیرین در امتداد سطح مشترک جریان دارد و دارای حرکت رو به بالا است بنابراین خطوط هم پتانسیل به صورت منحنی است.

عوامل موثر بر نفوذ آب شور:

▪ پمپاژ آب شیرین از چاه های ساحلی و افت سطح ایستایی در اطراف آنها موجب بالا آمدگی سطح مشترک آب شیرین و شور می شود.



- هر چه میزان آب زیرزمینی به سمت دریا بیشتر باشد آب دریا در لایه آبدار کمتر است.

رابطه «تاد» $q = \frac{1}{2} \left(\frac{ps - pf}{pf} \right) \frac{Kb^2}{L}$ در این رابطه (q: جریان آب شیرین، k: ضریب نفوذپذیری، L: طول

زبانه آب شور، pf: چگالی آب شیرین، ps: چگالی آب شور).

تشخیص نفوذ آب دریا در لایه‌های آبدار ساحلی: بنا به نظریه «رول» نسبت یون کلرید به مجموع یون‌های بی کربنات و کربنات معیار خوبی برای ارزیابی و تشخیص آلودگی آب زیرزمینی بوسیله دریاست.

- افزایش نسبت $\frac{Cl^-}{HCO_3^- + CO_3^{2-}}$ دلیل بر نفوذ آب دریا و در لایه‌های آبدار ساحلی است؛ یون کلرید

در آب دریا معمولاً بیشتر از آب زیرزمینی است و یون بی کربنات فراوانترین یون موجود در آبهای زیرزمینی است.

راه‌های جلوگیری از پیشروی آب شور:

- ۱- کاستن از میزان استخراج آب زیرزمینی ۲- تغییر محل چاه‌ها به مکان‌های دورتر از ساحل ۳- تغذیه مصنوعی؛ ایجاد پشته‌ای از آب شیرین در سطح ایستابی نزدیک ساحل که بالاتر از دریاست.
- ۴- ایجاد یک خط افت بوسیله پمپاژ؛ حفر تعدادی چاه در امتداد یک خط به موازات ساحل و استخراج آب آنها می‌تواند یک خط افت در تراز آب زیرزمینی ایجاد کرد (این روش مقرون به صرفه نیست اما می‌توان بطور موقت از آن استفاده کرد) ۵- ساختن سد زیرزمینی: تزریق مواد مناسب به داخل چاه‌هایی که در طول یک خط و به موازات ساحل حفر شده‌اند.

فصل ۹: اکتشافات منابع آب زیرزمینی

- با استفاده از عکس‌های هوایی می‌توان مناطق با حداقل و حداکثر امکان وجود آب را مشخص ساخت و همچنین با استفاده از مطالعات آب‌شناسی و ژئوفیزیک سطحی نیز می‌توان امکان وجود آب زیرزمینی را بررسی کرد.

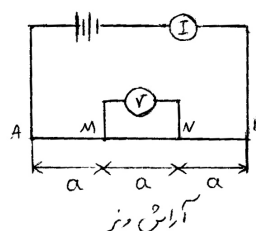
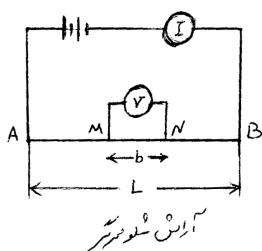


- در مطالعات ژئوفیزیک سطحی مستقیماً نوع سنگ، تخلخل، نفوذپذیری و مشخصات از این قبیل به دست نمی‌آید، بلکه محل‌هایی را که احتمال وجود لایه‌های آبدار مطلوب بیشتر است و محل‌های مناسب‌تری برای حفر چاه مشخص می‌شود.
- معمول‌ترین روش مطالعه آب‌های زیرزمینی روش مقاومت ویژه یا ژئوالکتریک است.
- با قرار دادن ۲ الکتروود، جریانی از زمین عبور داده می‌شود و به وسیله ۲ الکتروود دیگر اختلاف پتانسیل اندازه‌گیری می‌شود.
- معمول‌ترین آرایش‌ها بر حسب قرار دادن الکتروودها؛ آرایش وونر و شلومبرگر است؛ در آرایش وونر الکتروودهای پتانسیل به فواصل مساوی قرار گرفته‌اند و مقاومت ویژه ظاهری در این حالت از رابطه زیر بدست می‌آید.

$$\left(\rho a = 2\pi\alpha \frac{V}{I} \right)$$

- α فاصله بین الکتروودها، V اختلاف ولتاژ، I شدت جریان
- در آرایش شلومبرگر الکتروودهای پتانسیل بهم نزدیک شده‌اند و فواصل الکتروودهای مساوی نیستند:

$$\rho a = \frac{\pi \left(\frac{L}{2} \right)^2 - \left(\frac{b}{2} \right)^2}{b} \times \frac{V}{I}$$



- L و b فواصل الکتروودهای جریان و پتانسیل است.



بررسی تغییرات مقاومت ویژه زمین:

۱- جانبی: تغییرات مقاومت ویژه ظاهری عمق تقریباً ثابتی از زمین را نشان می‌دهد که از نظر بررسی تغییرات عمق و سنگ کف با ضخامت، تغییرات کیفی آب زیرزمینی تغییرات عمق سطح مشترک آب شیرین و شور و یافتن آب زیرزمینی مناسب، مفید است.

۲- قائم: در این روش نقطه میانی الکترودها ثابت است و فاصله بین آنها مرتباً افزایش می‌یابد و در واقع تغییرات مقاومت ویژه ظاهری را نسبت به عمق نشان می‌دهد و به آن منحنی سونداژ الکتریک نیز گفته می‌شود.

▪ چاه نگاری: پایین بردن یک وسیله سنجنده در داخل چاه یا گمانه و تهیه نمودار از یک ویژگی معین؛ با تفسیر این نمودار یا چاه نگاشت می‌توان اطلاعاتی در مورد خصوصیات لایه‌های آبدار و کیفیت آب زیرزمینی به دست آورد.

▪ مقدار پتانسیل خود زا (SP): ثبت اختلاف پتانسیل موجود بین الکترودی که در سرچاه به زمین متصل شده و الکتروود درون چاه.

▪ در موقع تهیه نمودار SP بایستی توجه داشت که چاه لوله گذاری نشده و هنوز پر از گل حفاری باشد.

▪ این پتانسیل‌ها به طور کلی منشاء الکتروشیمیایی و الکتروستاتیک دارند؛ با استفاده از این نمودار می‌توان به نوع مواد و عمق و تغییر جنس پی برد.

▪ حد سمت راست نمودار را خط شیل (لایه نفوذ ناپذیر) و حد سمت چپ را خط ماسه‌ای (لایه نفوذپذیر) در نظر می‌گیرند و هر انحراف منفی از خط شیل نشان‌دهنده لایه نفوذپذیر است. افزایش نمک در آب لایه آبدار مقدار sp را منفی‌تر می‌کند.

▪ نمودار مقاومت ویژه: ۱- آرایش تک نقطه‌ای: مقاومت اندازه‌گیری شده مربوط به محدوده کروی کوچکی در اطراف الکتروود داخل گمانه است.



- آرایش تک نقطه‌ای (زمان کوتاه)، جزئیات سنگ‌شناسی بیشتری را نشان می‌دهد ولی بیشتر تحت تأثیر گل حفاری قرار می‌گیرد.
- آرایش نرمال بلند مقادیر واقعی‌تر مقاومت ویژه سازندها را به دست می‌دهد.
- مقاومت ویژه لایه‌های آبدار به مقدار نمک‌های محلول در آب و تخلخل لایه‌ها بستگی دارد.
- سنگ‌های متراکم و سخت بیشترین و لایه‌های شیلی و رسی کمترین مقاومت ویژه را نشان می‌دهند.
- مقاومت‌های متوسط همراه با پتانسیل خودزای منفی نشان‌دهنده لایه‌های آبدار ماسه‌ای است.
- نمودار گاما: عمدتاً برای تشخیص مواد رسی به کار می‌رود.
- نمودار نوترون: نشان‌دهنده مقدار آب، تخلخل و سطح ایستایی است.
- نمودار گاما-گاما: نشان‌دهنده چگالی ظاهری و تخلخل مواد لایه‌های اطراف است.



فهرست منابع:

منابع فارسی

- ۱- محمود صداقت، زمین و منابع آب انتشارات دانشگاه پیام نور
- ۲- شناخت آبهای زیر زمینی؛ انتشارات دانشگاه تهران
- ۳- مکانیک سیالات و هیدرولیک؛ حسن مدنی
- ۴- جزوه آبهای زیرزمینی دانشگاه شیراز
- ۵- جزوه آبهای زیرزمینی دانشگاه تبریز؛ دکتر اصغری مقدم
- ۶- جزوه آبهای زیرزمینی دانشگاه تربیت معلم تهران؛ دکتر نخعی

منابع لاتین

- 1- GROUND WATER, BY: FREEZE & CHERRY
- 2- GROUND WATER HYDROLOGY, BY: TODD
- 3- ADVANCE HYDROLOGY, BY: FETTER

موفق باشید